

مدیریت شهری

شماره ۳۸ بهار ۹۴

No.38 Spring 2015

■ ۲۴۱-۲۷۲ ■

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۴

سنخیت‌شناسی همسویگی معنادار روش‌های ارزیابی قرارگاه‌های رفتاری و بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری

نفیسه گلستانی* - دانشجوی دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

محبوبه روشن - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه هنر و معماری، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی،

مرودشت، ایران.

مهدي شيباني - عضو هييات علمي دانشكده معماري و شهرسازی دانشگاه شهيد بهشتی تهران، تهران، ايران.

Significant similarity between behavior-place and method of urban behavior evaluation for redesign of urban spaces and furniture

Abstract

Today, in terms of interaction between physical activity and meaning to have a significant continuum of how spaces are used by citizens is the concept of paradigms and theoretical approaches to design of urban spaces. It is necessary in the field of urban planning and management of the city's architects and designers. On the other hand, access to the redesigned, re-evaluation procedures for citizens of urban areas can also contribute to the design of responsive environments, the lack of space use by citizens and non-animated production spaces and prevent inefficient. In this paper, the origin of the types of behavior and behavioral bases of their compliance with the properties of space has been redesigned again. The analytic and argument based on logic and documentation methods employed. In the end, pointing to the open standards and urban spaces in contemporary furniture design again to set the criteria mentioned and the origin of these methods to the design of each is briefly analyzed.

Keywords: behavior-place, behavior and urban activities, furniture and urban spaces, assessment and treatment of behavior-place.

چکیده

امروزه درنظرگیری تعامل فیمابین «کالبد، فعالیت و معنا» که دارای پیوستاری و همسویگی معناداری با نحوه و چگونگی کاربرت فضاهای شهر بوسیله شهروندان است، از مهمترین پارادایم‌های مفهومی و رهیافت‌های نظری به «بازطراحی فضاهای شهری» بوده است که لازم است در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری موردنظر معماران و طراحان شهر قرار گیرد. از سوی دیگر، دستیابی به روش‌های ارزیابی رفتار شهروندان برای بازطراحی دوباره فضاهای شهری نیز می‌تواند ضمن کمک به طراحی محیط‌هایی پاسخده، از عدم بکارگیری فضا بوسیله شهروندان و تولید فضاهای غیرسرزنده و ناکارآمد جلوگیری بعمل آورد که التزام و ضرورت تحقیق حاضر را تشکیل داده است. در مقاله حاضر، به سنخیت‌شناسی انواع روش‌های ارزیابی رفتارها و قرارگاه‌های رفتاری و میزان انطباق آنها با بازطراحی دوباره فضا خاصه در ایران پرداخته شده است که از روش توصیفی- تحلیلی و استدلال مبنی بر منطق و روش‌های استنادی بهره برده است. لذا در پایان ضمن اشاره به معیارهای بازطراحی دوباره مبلمان و فضاهای شهری ایران در دوره معاصر به مجموعه معیارهایی اشاره شده و میزان سنخیت این روشها با بازطراحی و ارزش گذاری هر یک به اختصار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرارگاه رفتاری، رفتار و فعالیت شهری، مبلمان و فضاهای شهری، ارزیابی رفتار و قرارگاه رفتاری.

بستگی زیادی به چهار عامل دارد که عبارتند از:
ویژگی‌های کالبدی فضای مورد استفاده، نیازهای انسانی به طور عام، نیازهای مخاطبین و استفاده کنندگان خاص آن فضا و در نهایت الگوهای رفتاری و بستر فرهنگی جامعه.

از آنجا که در شرایط امروزی شهرها فضاهای عمومی آن معرف هویت و شخصیت و میزان رونق و جذابیت یک شهر هستند، در صحنه رقابت شهرهای مختلف به لحاظ جذب سرمایه‌ها، جذب نیروی انسانی، ارتقاء رفتارهای مناسب و شکلگیری مکان رفتارهای سازنده از مهم ترین امور است. تغییر شرایط در جوامع شهری، توسط تغییرات اخیر در الگوهای زندگی بهتر و واضح‌تر می‌تواند توضیح داده شود. در نتیجه توجه به آسایش و برآورده کردن نیاز گروه‌های مختلف استفاده کننده از فضا یکی از معیارهای اساسی در جهت ایجاد مطلوبیت فضایی، افزایش کیفیت و میزان رضایتمندی شهروندان می‌باشد. از طریق رواج دادن برخی رفتارها یا کاستن از برخی رفتارها در فضای می‌توان احساس خاصی در افراد ایجاد کرد؛ به طوریکه کیفیت ویژه‌ای از فضا ادراک کند. در واقع آشنایی طراحان شهری با دانش‌هایی همچون علوم رفتاری و روانشناسی محیطی می‌تواند این امکان را برای طراحان فراهم کند تا منطبق بر نیاز و فرهنگ استفاده کنندگان، فضاهای را طراحی کند و براین اساس شرایط لازم برای زندگی مطلوب برای کاربران شهری از فضاهای فراهم آید. امروزه در سرتاسر دنیا مراکز شهری سواره محور به سیستم پیاده راه‌ها تبدیل شده‌اند؛ زندگی در فضاهای عمومی چه نزدیک و چه دور از فعالیت‌های تجاری، به طور برجسته‌ای افزایش یافته است و زندگی شهری کاملاً تغیری و اجتماعی نیز رشد یافته است. در حال حاضر تمایل و گرایش به سمت هر چه بیشتر توسعه یافتن زندگی در فضاهای شهری

۱. مقدمه
رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی ناشی از ادراک او از دنیای خارج و معنایی که این تصویر برای او دارد، می‌باشد؛ بنابراین هر رفتار تحت تاثیر شرایط فوق می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. «رفتار» تنها تابع «فعالیت» نیست؛ بلکه ترکیبی از «۱. فعالیت، ۲. زمان و ۳. محیط»^۱ است. انسان همواره در تعامل با محیطی است که خود جزیی از آن به شمار می‌رود. رفتار اجتماعی نیازمند بستری برای روی دادن است، بنابراین رابطه انسان و «محیط» به صورت یک رابطه «رفت و برگشتی و تعاملی» موردنظر است. موضوع علم «طراحی شهری» خلق فضاهای عمومی با کیفیت در سطح شهر می‌باشد، آن جا که زندگی عمومی افراد در جریان است و در خیابان و میدان و پارک و غیره، مردم با ویژگیها و کیفیت‌های مطلوب و نامطلوب آن در تماس مستقیم قرار می‌گیرند. از سویی، از آنجا که رفتار در رابطه با محیط شکل می‌گیرد، به شدت تحت تاثیر «فرهنگ و اجتماع» می‌باشد و پیوسته معلول علتی «اجتماعی و فرهنگی» است. محیط می‌تواند خاستگاه «ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی» باشد، گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضای شهر دارای نیازهای و الگوهای رفتاری و بستر ساز «قرارگاه های رفتاری» مختلفی هستند. بخشی از این نیازها معطوف به نیازهای مختلف و متعدد انسانی است و بخشی دیگر به ویژگی‌های کالبدی و نقش فضای مورد استفاده در شهر مربوط می‌شود. همچنین برخی از الگوهای رفتاری به نیازهای دسته‌های مختلف استفاده کننده از فضا بستگی دارد و برخی از این الگوها تابع فرهنگ و بستر فرهنگی جامعه می‌باشد. بنابراین نحوه برقراری این رابطه تعاملی

۱. در این رابطه، کورت کافکا (۱۹۳۵)، بین محیط جغرافیایی و محیط رفتاری تمایز قابلی می‌شود، چنانچه محیط جغرافیایی را محیط عینی و واقعیت‌های اطراف انسان می‌داند، و محیط رفتاری را تصویرشناختی محیط عینی ارزیابی می‌کند که اساس رفتار انسان را شکل می‌دهد. علاوه بر این «دالکلاس پورتیوس» (۱۹۷۷) محیط مفهومی را مطرح می‌کند که آن را به مفاهیم محیط پدیده‌ای (جغرافیایی) و شخصی (رفتاری) می‌افزاید (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۷).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۴۳

رفتاری با بازطراحی فضایی، به مجموعه معیارهای بازطراحی در حوزه مبلمان شهری دست یابد. از طرف دیگر، از روش فراتحلیل در بررسی تحقیقات پیشین نیز بهره گرفته که ابزار گردآوری داده‌های آن نیز مطالعات کتابخانه و منابع لاتین و اینترنتی در این زمینه بوده است.

مبانی نظری

امروزه فضاهای شهری در رابطه با رفتارهای استفاده کنندگان از آن فضاهای بررسی می‌گردد. هر «فعالیتی» که توسط انسان صورت می‌گیرد، اساساً متعلق به «فرهنگ» است و فرهنگ نتیجه مقررات نامدون (عرف)، عادات، آداب و رسوم، سنتها، سبکها و شیوه‌های متداول زندگی است. معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارند که انواع فعالیتها در چارچوبهای متفاوت در آنها اتفاق می‌افتد و در حقیقت به این فضاهای معنی و مفهوم می‌دهند. این فعالیتها، تابع خصوصیات فرهنگ جامعه‌ای است که

صاحبان این فعالیتها به آنها تعلق دارند. فرهنگ، «الگوهای رفتاری» را بوجود می‌آورد و در نتیجه این الگوهای رفتاری تعیین کننده چگونگی استفاده مردم از فضاهای می‌شوند. بنابراین نحوه استفاده مردم از فضا براساس فرهنگ می‌باشد؛ به عنوان مثال در هندوستان خیابان معجونی از فعالیت‌های متعدد و متنوع است که در نتیجه انواع بو، صدا و مناظر عجیب و غریب درهم بافته شده‌اند؛ در حالیکه در جوامع غربی پیاده روی و پرسه زدن در خیابانها عملی ناپسند محسوب می‌شود و حتی در برخی از ساعت‌های شب‌نیمه روز نه تنها خوش‌آیند نیست

است، چراکه در حال حاضر تمایلات اجتماعی به سمت استفاده از فضای عمومی است. در این راستا نقش مبلمان شهری در فراهم نمودن امکانات زندگی و حضور افراد در فضاهای شهری می‌تواند بسیار کلیدی و پر اهمیت باشد.

این پژوهش در پی آن است که با توجه به الگوهای رفتاری، تراکم رفتاری، آسیب شناسی رفتارها و دسته‌بندی این الگوهای طور عام به نیازهای رفتاری و دریافت معانی رفتاری در طراحی مبلمان شهری از یک طرف، و میزان انطباق روش‌های ارزیابی قرارگاه‌های رفتاری با بازطراحی این فضاهای بررسد و همچنین شناسایی عواملی از محیط کالبدی که به الگوهای رفتاری شکل و یا تحت تاثیر قرار می‌دهند از طریق دلالت در طراحی و ویژگی‌های کالبدی-فضایی محیط و همچنین بر اساس الگوهای کیفیت بخشی به فضا معیارهایی برای ایجاد محیطی با کیفیت و کارآمد ارائه دهد که به عنوان بخشی از راهنمای طراحی مبلمان شهری در این زمینه قابل ارجاع و استناد باشد. لذا در ابتدا ضمن اشاره به مفهوم روانشناسی محیطی و برخی مفاهیم مرتبط، به مفهوم قرارگاه‌های رفتاری اشاره شده و در پایان نیز میزان انطباق این روشها با مقتضیات بازطراحی مورد اشاره قرار داده می‌شود.

مواد و روشها

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی با بهره گیری از روش اسنادی است. تحقیق حاضر بنا به ماهیت از نوع کاربردی است و صرفاً در نظر دارد تا ضمن سنجیت شناسی مجموعه روش‌های ارزیابی



نمودار ۱. رابطه فرهنگ، الگوی رفتاری و نحوه استفاده از فضا؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس بحرینی، ۱۳۸۴، ص. ۳.

رفتار و قرارگاه رفتاری

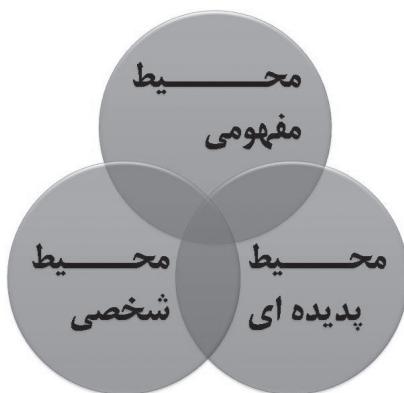
«محیط» شامل مجموعه‌ای از «قرارگاه‌های رفتاری» است که درون یکدیگر قرار گرفته اند و با هم، فضول مشترک دارند. این قرارگاه‌های رفتاری دارای دو عنصر اساسی اند:

۱. یک «الگوی شاخص رفتار» و

۲. یک «محیط فیزیکی». محیط فیزیکی ساختاری کالبدی است مرکب از سطوح مرتبط به هم و متشکل در الگوهای خاص که فضاهای باز و سبز، ساختمان‌ها، اتاق و چیدمان فضا را تشکیل می‌دهند. این سطوح از مواد، بافت‌ها، و رنگدانه‌های مختلف ترکیب شده‌اند و به طرق مختلفی روشن می‌شوند.



نمودار ۲. مولفه‌های تشکیل دهنده فضا از دیدگاه کانتر (در کالبد بر اساس تصورات فعالیتها شکل می‌گیرد که یاداور الگوهای رفتاری و بسترساز شکل گیری قرارگاه‌های رفتاری است؛ مأخذ: نگارندگان بنقل از: گلکار، ۱۳۸۰).



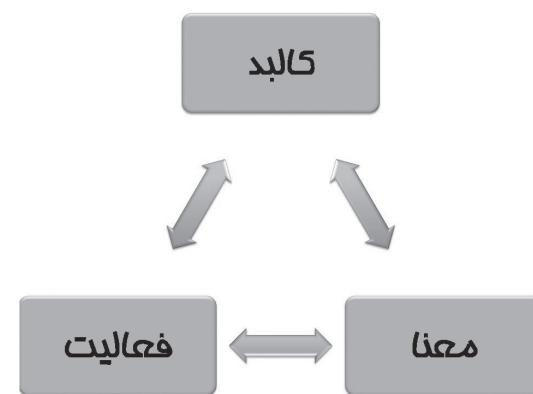
تصویر ۴. انواع محیط از دیدگاه داگلاس پورتیوس (۱۹۷۷)؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس مرتضوی، ۱۳۶۷.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۴۴

بلکه خطر جانی نیز دارد (بحرینی، ۱۳۸۴، ص ۳). نکته مهم این است که مسایل حیطه «روانشناسی محیطی و مقوله قرارگاه‌های رفتاری» در دو دسته عمده مطرح می‌شوند و بنابراین با دو رویکرد به بررسی ماهوی این مفاهیم می‌توان پرداخت: الف- شناخت ماهیت محیط، رفتار انسان و رابطه الگوهای رفتار و محیط ساخته شده (رویکرد محتوایی)؛ و ب- جایگاه و مولفه‌های اثرگذار علوم رفتاری در فرآیند طراحی (رویکرد رویه‌ای).



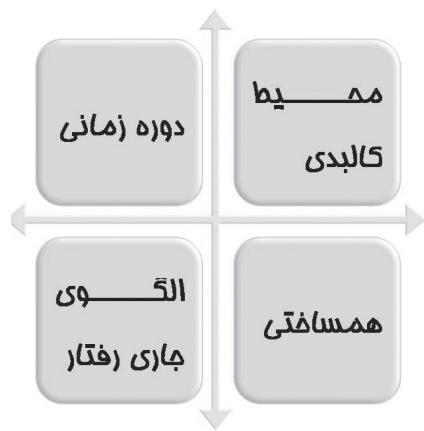
نمودار ۳. مدل حس مکان رلف کانتر؛ همسویگی ارتباط کالبد، فعالیت و معنادار محیط؛ مأخذ: نگارندگان.

اولین بار، «مدار رفتار» به عنوان واحدی برای سنجش و تحلیل فضاهای معماری توسط «بارکر» مطرح شد. «قرارگاه یا مکان رفتاری» ترکیبی از فعالیت و مکان است که دارای اجزای زیر است:

۱. فعالیتی قابل تکرار و ارجاعی (الگوی جاری رفتار)؛
۲. طرح خاصی از محیط (محیط کالبدی)؛
۳. رابطه‌ای سازگار بین این دو (همساختی)؛ و
۴. دوره زمانی خاص.

اگر یک الگوی جاری رفتاری در یک مکان کالبدی در

زمانهای مختلف بروز کند، آن مکان می‌تواند جزیی از یک یا چند قرارگاه رفتاری باشد. یک قرارگاه رفتاری می‌تواند نیازهای یک فرد را (از ابتدایی ترین تا پیچیده ترین) برآورده کند. هر قرارگاه رفتاری می‌تواند یک حریم داشته باشد که رفتار در آن مستقر می‌شود. مشکل حریم وقتی بروز می‌کند که فعالیتها یک نیاز به تفکیک دارند به خوبی تفکیک نشوند. قرارگاه رفتاری یا مکان-رفتار را می‌توان واحد اجتماعی کوچکی بشمار آورد که از آمیزش یک «فعالیت» و یک «مکان» بوجود می‌آید و عرصه‌ای برای بروز عملکردهای آن محیط شهری به حساب می‌آید.



نمودار ۵. مولفه‌های قرارگاه‌های رفتاری از دیدگاه بارکر؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان.

«نظریه سطح اشباع منابع انسانی» یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه مکان-رفتار یا همان «قرارگاه‌های

رفتاری» است. به دلایل مختلفی یک مکان رفتار ممکن است تعداد کم یا زیادی از افرادی را که متمایل به فعالیت هستند را به خود جذب نماید. وقتی که افراد زیادی در پیرامون موضوع کار حضور دارند و مکان رفتار از یافتن راهی برای ورود افراد بیشتر ناتوان است، پدیده اشباع بالای منابع انسانی رخ می‌دهد. از سوی دیگر، وقتی که افراد کمی جذب فعالیت می‌شوند، پدیده فقدان اشباع منابع انسانی رخ می‌دهد (ویکر، ۱۹۸۶)، بنابراین مکان‌های رفتاری، موجودیت ایستایی ندارند و در هر دو حالت «فراشباع و فقدان اشباع»، کارایی مطلوب از دست می‌رود. همچنین باید گفت که کیفیت محیط و فضاهای شهری از موضوعاتی مهم در دانش طراحی شهری و معماری است که «ارزیابی ادراکی^۱ و رفتاری شهروندان و انگاشتهای ذهنی و بروز رفتار آنها در محیط»، اهمیتی اساسی دارد؛ چنانچه لازم است تا به مطالبی اشاره شود:

۱. اولاً؛ طراحی شهری دانشی است که به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی عرصه‌های همگانی (شهری) می‌پردازد. پرداختن به ساماندهی و ارتقای کیفیت محیطی در فرایندی به انجام می‌رسد که مفاهیمی چون نمایانگرها و هنجارهای کیفی پاسخ دهنده‌گی محیطی معنی دار می‌شوند. این هنجارها بر ویژگیها یا حال و هوایی دلالت می‌کنند که معیار، مبین و شاخص پاسخ دهنده‌گی محیط هستند.
۲. دوماً؛ کیفیت یک شیئی درجه و میزان برتری،

۱. «فرایند ادراکی» دنباله‌ای از مراحل است که از محیط شروع می‌شود و به درک ما از یک محرك و اقدام واکنشی نسبت به آن محرك می‌انجامد. این فرایند در موارد زیر خلاصه می‌شود:^۲ ۱. محرك محیطی: دنیا پر است از محرك‌هایی که از طریق حواس مختلف می‌توانند توجه ما را جلب کنند. محرك محیطی هر چیزی در محیط ماست که قابلیت درک شدن داشته باشد. ۲. «محرك مورد توجه»؛ محرك مورد توجه، شیء بخصوصی در محیط است که توجه ما بر روی آن متتمرکز شده است. ۳. «تصویر بر روی شبکه»؛ سپس، محرك مورد توجه به صورت یک تصویر بر روی شبکه شکل می‌گیرد. اغلب افراد از این موضوع آگاهی دارند که تصویر روی شبکه در فرایند ادراکی تحت پردازش عصبی قرار می‌گیرند. ۴. «بدیل»؛ تصویر روی شبکه سپس به سیگنال‌های الکترونیکی تغییر شکل می‌یابد. این فرایند را تبدیل می‌نامند. این کار باعث می‌شود که پیام‌های دیداری جهت تفسیر به مغز ارسال شوند. ۵. «پردازش عصبی»؛ آنگاه سیگنال‌های الکترونیکی تحت پردازش عصبی قرار می‌گیرند. ۶. «ادراک»؛ در مرحله بعد از فرایند ادراک، ما شیء محرك در محیط را به طور واقعی درک می‌کنیم. در این مرحله است که ما به طور هشیارانه از آن محرك آگاهی می‌یابیم. ۷. «بازناسی و شناخت»؛ ادراک فقط مستلزم آگاهی هشیارانه از محرك‌ها نیست. علاوه بر آن مغز ما باید آنچه حس کرده‌ایم را ردیابنده و تفسیر کند. مرحله بعد عبارت است از تفسیر و معنابخشیدن به یک شیء که به آن بازناسی یا شناخت گفته می‌شود. اقدام؛ مرحله نهایی در فرایند ادراکی مستلزم نوعی اقدام و عمل در واکنش به محرك محیطی است. این اقدام می‌تواند صورت‌های گوناگونی داشته باشد، مثلاً برگرداندن سر برای نگاه نزدیک‌تر و یا چرخیدن و نگاه کردن به یک چیز دیگر.

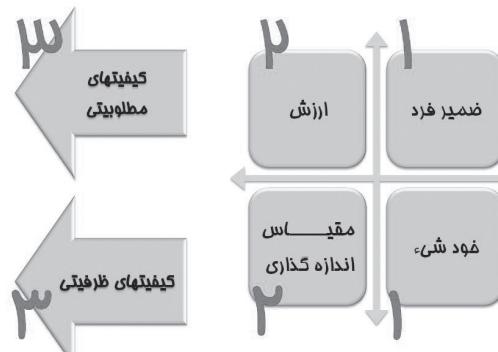
افزایش تنش یا انرژی درونی فرد می‌شوند و در حقیقت ایجاد انگیزه می‌کنند.

۲. «نیاز»: هر فرد دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که فعال کننده و هدایت کننده رفتار اوست. این نیازها غریزی هستند یعنی ما با آنها به دنیا می‌آییم اما رفتارهایی که ما برای ارضاء این نیازها به کار می‌بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی بوده و بنابراین افراد مختلف ممکن است در نحوه ارضای انگیزه‌ها تفاوت‌های زیادی پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

۳. «ادراک»: «تجربه حسی ما از دنیا پیرامونمان و مستلزم بازشناسی و شناخت مُحرک‌های محیطی و نیز اقدامات واکنشی به این مُحرک‌هاست.» ما از طریق فرایند ادراکی، درباره عناصر محیطی که برای بقای ما جنبه حیاتی دارند، اطلاعات به دست می‌آوریم. ادراک نه تنها تشکیل دهنده تجربه از دنیا پیرامونمان است بلکه به ما اجازه می‌دهد که درون محیطمان به فعالیت و عمل بپردازیم.

۴. «سلسله مراتب نیازهای انسانی»: برای تعریف نیازهای انسانی مدل‌های زیادی تدوین شده است که از بین آنها مدل «مقیاس احساسات اصلی در رقابت» الکساندر لیتون و «مدل سلسله مراتب نیازهای انسانی» آبراهام مازلو مورد استفاده طراحان محیطی قرار می‌گیرد. مدل نیازهای «الکساندر لیتون» وسیله مناسبی برای درک ماهیت محیط ساخته شده در عین احترام به انسان است. این نیازها عبارتند از: امنیت فیزیکی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علایق شخصی، شناسایی شدن، بیان خودانگیختگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت گروهی معین، تعلق به یک نظام معنوی. اشکال این مدل عدم وجود دسته‌بندی و نظم مشخص و پیچیدگی نیازهای آبراهام مازلو سلسله مراتبی از نیازها از قوی ترین

مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگیهای آن شیئی درک و محسوب می‌گردد. کیفیت یک شیئی از دو منبع «ضمیر»^۱ فرد و خود «شیئی»^۲ نشات می‌یابد که به ترتیب آنها را «ارزش»^۳ و «مقیاس اندازه گیری»^۴ نامیده، بیانگر دو گروه «کیفیت‌های مطلوبیتی»^۵ و «کیفیت‌های ظرفیتی»^۶ اشیاء هستند. این مهم نقشی اساسی در بروز رفتار و شکلگیری قرارگاه‌های رفتاری داشته و بر نحوه استفاده از فضاهای شهری تاثیرگذار خواهد بود.



نمودار ۶. بنیان‌های کیفی محیط و زمینه‌های ادراکی و ذهنی در بروز رفتار و الگوهای رفتاری؛ مأخذ: نگارندگان.

مدرس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۴۶

تعامل فضای شهری و رفتار شهروندی

در این بخش به تعریف عملیاتی متغیرهای دخیل در موضوع به اختصار پرداخته می‌شود.

۱. «انگیزه»: انگیزه نیروی هدایتگر رفتار است. رفتارها در جهت اراضی نیازهای انسانی شکل می‌گیرند. نیازهای مشترک شناخته شده در انسان دامنه وسیعی از جمله نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای زیستی یا نیازهای اجتماعی و اکتسابی را در برمی‌گیرند. نیازها از هر دسته و گروهی که باشند سبب

- 1. ego
- 2. object
- 3. value

- 4. measure
- 5. qualities of desirability
- 6.qualities of capacity

واسطه حضور افراد در فضاست. همانند فعالیت‌های نمایشی، مراسم عزاداری، تظاهرات، مراسم چهارشنبه سوری؛ همچنین می‌توان فعالیتها را به دو دسته فعالیت‌های فردی و فعالیت‌های جمعی نیز تقسیم‌بندی کرد.

۶. «رفتار»: به هر حرکت یا حرکاتی که در راستای برآورده کردن یک نیاز صورت پذیرد، «فعالیت» می‌گویند؛ مانند خوردن در راستای رفع نیاز گرسنگی و به نحوه انجام این فعالیت «رفتار» اطلاق می‌شود، مانند خوردن با دست یا قاشق. این ساده ترین تعریف از رفتار می‌باشد که ممکن است این خط را ایجاد کند که چون سرمنشاء رفتار نیاز است و همه انسانها دارای نیازهای مشترک هستند، پس رفتارهای مشابه‌ی را انتظار داریم. در صورتی که آنچه در عمل رخ می‌دهد دسته وسیع و متنوعی از رفتارهای است. در واقع رفتار انسان تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل مختلف و متفاوت قرار دارد که چگونگی و نحوه انجام فعالیت یعنی همان رفتار را تعیین می‌کنند. «رفتار انسانی» فرایندی است تحت تاثیر ویژگی‌های انسانی و عوامل مختلف محیطی. در واقع محیط می‌تواند خاستگاه ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی باشد. الگوهای ذهنی که متاثر از نیازها و انگیزه‌ها هستند بر فرایند ادراک تاثیر می‌گذارند و رفتار فضایی خاصی را ایجاد می‌کنند که این رفتار خود منجر به تشکیل الگوهای ذهنی فردی و جمعی می‌شود. نمودار ۸ نیز به بیانی دیگر فرایند ارتباط دوسویه رفتار و محیط و عوامل دخیل در آن را تشریح می‌کند!

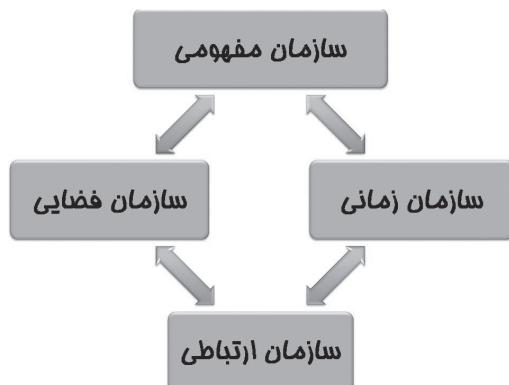
تا ضعیف‌ترین پیشنهاد کرده است. سلسه مراتب پیشنهادی او به ترتیب زیر است: نیازهای فیزیولوژیک مانند گرسنگی و تشنگی؛ نیازهای ایمنی مثل امنیت و محافظت در مقابل صدمات؛ نیازهای تعلق و دوست داشتن مثل عضویت در گروه‌های اجتماعی و نیاز عاطفی؛ نیاز به قدر یعنی فرد نزد خود و دیگران دارای ارزش بالایی باشد؛ نیاز به خود شکوفایی که بیانگر میل به اراضی ظرفیت‌های فردی است؛ نیازهای شناختی و زیبا شناختی مانند میل به دانستن و تمایل به زیبایی برای زیبایی.

۵. «فعالیت»: از آنجا که نیاز یک مفهوم انگیزشی دارد، مستلزم حرکت یا حرکات خاصی برای برآورده شدن آن نیاز است. به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می‌گیرند، فعالیت گفته می‌شود. علی‌رغم تنوع زیاد رفتارهای انسانی می‌توان آنها را از طریق تشابه در جنبه فیزیکی آنها یا اشتراک در برآوردن نیاز، در دسته‌های کوچکتری با نام فعالیت طبقه‌بندی کرد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۴۱). همان‌طور که قبل از نیز بیان شد، فعالیتها بر اساس «۱. جبری و ۲. اختیاری بودن» به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۶. «فعالیتهای ضروری»: فعالیتهایی که حالت اجباری داشته و شامل فعالیت‌های عمومی مردم از قبیل حرکت به سمت محل کار و یا خرید مایحتاج می‌باشد. «فعالیتهای انتخابی» جزو نیازهای اولیه انسان نبوده و از این رو تنها در صورت مهیا بودن زمینه لازم انجام می‌پذیرند. از قبیل تفریح و گردش.

۷. «فعالیتهای اجتماعی»: شکل گیری این فعالیتها به

۱. فرآیندهای ادراکی منطقی از فضاهای شهری بر اساس آرای واتسون - گلیزر عبارتند از: استنباط نتیجه‌ای است که فرد از پدیده‌های به وقوع پیوسته به دست می‌آورد. استنباط توانایی تشخیص داده‌های درست از نادرست از میان اطلاعات داده شده می‌باشد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۷۲). ۲- شناسایی مفروضات: مفروض عبارتی است که از پیش درنظر گرفته می‌شود، بدیهی فرض شده و یا برای پذیرفته شدن پیشنهاد می‌گردد. شناسایی مفروضات در حقیقت توانایی تشخیص مفروضات پیشنهادی از عبارات بیانی می‌باشد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۴۴). ۳- استنتاج: در استنتاج از مقدماتی منطقی نتیجه و یا نتایجی گرفته می‌شود. در استنتاج پیش داوریهای ذهنی نبایستی بر قضایت و نتیجه گیری تأثیر بگذارد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۶۱). ۴- تعبیر و تفسیر: تعبیر و تفسیر توانایی پردازش اطلاعات و تعیین اعتبار آنها می‌باشد. در این فرآیند بایستی قضایت شود که آیا نتایج به طور منطقی از داده و مقدمه‌های خود گرفته شده است یا خیر؟ (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۷۷). ۵- ارزشیابی استدلالهای منطقی: در موارد مهم تصمیم گیری درباره انتخاب استدلالهای قوی و ضعیف، مطلوبتر آن است که بتوانیم استدلالهای قوی و ضعیف را تشخیص دهیم. یک استدلال منطقی وقتی قوی است که هم مهم و هم در ارتباط مستقیم با سؤال باشد و یک استدلال وقتی ضعیف است که مستقیماً در ارتباط با سؤال نباشد (حتی اگر از اهمیت زیادی برخوردار باشد) یا کم اهمیت باشد و یا تنها با جنبه‌های علمی و کم اهمیت سؤال در ارتباط باشد (واتسون و گلیزر، ۱۹۸۰، ص ۸۹).



نمودار ۹. انواع سازماندهی فضا بر اساس دیدگاه امس
راپاپورت؛ مأخذ: نگارندگان.

اجتماعی- نوع تربیت- عناصر تاریخی و جغرافیایی؛ ۲. جبریت معماری (کاملاً فیزیکی است؛ فضای هدایت شده مصنوع و خرد؛ ۳. جبریت کالبدی (در حوزه وسیعتر، شهر، غیر از شهر اقلیم هم در آن دخالت دارد، منطقه کوهستانی، و بیابانی).»
انواع فضاسازی از دیدگاه روانشناسی مُحيط به قرار زیر است:

۱. «فضای سیمای نیمه ثابت»: فضاهای چند عملکردی که قابلیت فضایی و رفتاری زیادی دارند، بنابراین فضاهای چند عملکردی تثبیت شده نیستند. فضاهایی که کیفیت آنها را می توان با تغییر فاکتورهایی نظیر چیدمان مبلمان، تغییر داد که این تغییرات موجب تغییرات رفتاری کاربران آن فضاهم خواهد بود؛ بنابراین می توان الگوهای رفتاری مناسب را استخراج کرد و فضای رادرجهت رسیدن به آن سازماندهی کرد.
۲. «فضای بی‌شکل»: در واقع همان فواصل فضایی است که شکل ندارد.
۳. «فواصل در حیطه انسانی»: این فواصل را به نام های فاصله گریز، فاصله بحرانی و فاصله شخصی و اجتماعی طبقه بندی کرده است. فاصله گریز و فاصله بحرانی به جز در چند مورد، از واکنش های انسانی حذف گردیده است.

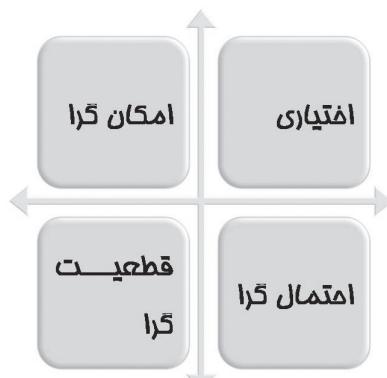
1. Free Wile Approach
2. Possibility

روانشناسی محیطی

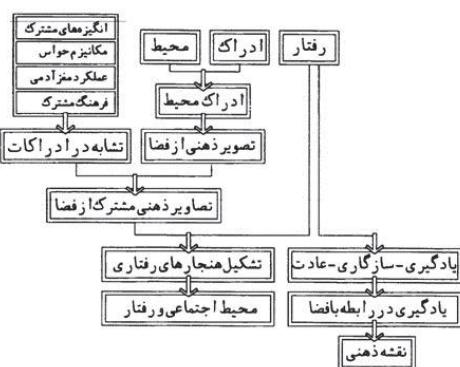
«روانشناسی محیط»، «روانشناسی اکولوژیک» یا «علوم اکورفتاری» از شاخه های تخصصی روانشناسی عمومی است. به گفته «گرامان» در روانشناسی سنتی به ابعاد مُحيطی- فرهنگی توجه کافی نشده و این مسئله موجب پیدایش رشته روانشناسی مُحيط یا اکولوژی شده است. انسان با توجه به نیازها، ارزشها و هدف های خود، مُحيط را دگرگون می کند و بطور متقابل تحت تاثیر مُحيط دگرگون شده قرار می گیرد؛ بویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می شود تأثیر انسان بر مُحيط شدت و سرعت یابد. در ضمن در رابطه با مفهوم فضا در روانشناسی مُحيطی می توان به مفهوم قرارگاه های رفتاری اشاره داشت؛ چنانچه در روانشناسی مُحيط، رفتار را در چارچوب قرارگاه فیزیکی مورد بررسی و پژوهش قرار می دهند به طور مثال یک مدرسه یا آموزشگاه قرارگاه فیزیکی محسوب می شود؛ قرارگاه فیزیکی به معنی فضای فیزیکی با هدفهای کاربردی و سازمانی تعریف شده به کار می رود؛ مانند بیمارستان که محل مداوای بیماران است یا کلاس درس که محل تدریس و تعلیم است (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص. ۹). «نظریه های روانشناسی مُحيط در فضا» به قرار زیر است:

۱. «اختیاری»: مُحيط تأثیری روی رفتار و اراده انسان ندارد؛ بگونه ای فقدان تأثیر مُحيط را مطرح می کند.
۲. «امکان گرا»: مُحيط امکانات و فقدانهای مختلف را بوجود می آورد ولی در نهایت انسان در انتخاب، آزاد است.
۳. «احتمال گرا»: احتمال آماری رفتارها را زیاد می کند، تفاوتش با امکان گرا در این است که جنبه ای آماری دارد (چیدمان اتفاق).
۴. «قطعیت گرا»: تأثیر مُحيط کاملاً قطعی است. سه نظر در مورد جبریت مُحيطی معماري بدین شرح است: ۱. جبریت مُحيط (اقلیم فرهنگ- طبقه

3. Probability
4. Determinism



نمودار ۱۰. انواع نظریه های روانشناسی محیطی و شناخت رفتاری؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان.



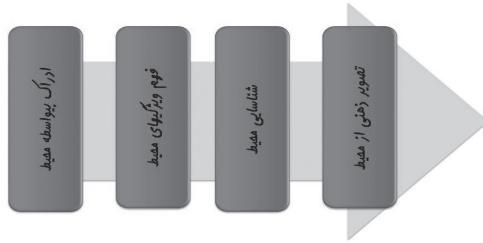
نمودار ۱۱. بررسی رابطه محیط و رفتار؛ مأخذ:
زراعت دوست، ۱۳۷۹، ص. ۸

۴. «طبقه‌بندی مدل هم جواری» (فوacial انسان در شرایط محیطی): که بر اساس دیدگاه آلتمن به قرار زیر است: ۱. فاصله خصوصی؛ ۲. فاصله شخصی؛ ۳. فاصله اجتماعی؛ ۴. فاصله عمومی. فرضیه نهفته در سیستم طبقه‌بندی مدل هم جواری بدین قرار است که؛ بروز رفتاری که ما آنرا تعیین مرز قلمرو (مالکیت) می‌نامیم، در سرشت تمام حیوانات و انسان وجود دارد و برای این کار، آنها از حواس برای تشخیص یک فضای ای فاصله از فضای دیگر استفاده می‌کنند. انتخاب فاصله ای معین بستگی به کنش متقابل، ارتباط افراد و اکنش گرا، نحوه احساس آنها و آنچه انجام می‌دهند، دارد.

در ۱۹۶۶ کتاب بعد پنهان که توسط «ادوارد تی هال»^۱ نوشته شده است. واژه «پراکسمیک»^۲ علمی که در مورد فواصلی که انسان‌ها میان خودشان و دیگران در نظر می‌گیرند صحبت می‌کند، را به منظور توضیح انواع مختلف فضا و فضاهای قابل اندازه‌گیری میان مردم زمانی که با یکدیگر در تعامل هستند به کار می‌برد. سه نوع فضای و چهار نوع فاصله‌ای که هال مطرح می‌کند، هم اکنون نیز توسط جامعه‌شناسان و معماران مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فواصل خطوط طراحی بسیار مفیدی را برای طراحی و فضاهای تعامل اجتماعی

۱. «فاصله خصوصی»: برای در آغوش گرفتن، لمس کردن و پچ کردن (۰-۴۵/۷۲ cm).
۲. «فاصله شخصی»: برای تعامل میان دوستان نزدیک (۴۵/۷۲-۱۲۱/۹۲ cm).
۳. «فاصله اجتماعی»: برای تعامل میان آشنایان (۱۲۱/۹۲-۳۶۵/۷۶ cm).
۴. «فاصله عمومی»: برای مشاهده افراد و بدون تعامل (به بالا ۳۶۵/۷۶ cm).

فرهنگ‌های مختلف استانداردهای متفاوتی برای فواصل شخصی دارند. در فرهنگ آمریکای لاتین، فواصل شخصی کوچک‌تر است و مردم در هنگام نزدیک شدن به یکدیگر احساس راحتی بیشتری می‌کنند. در فرهنگ کشورهای اروپای شمالی، خلاف



نمودار ۱۲. محیط و ارتباط آن با انسان در حوزه
شناخت؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس نظریات
نویربری شولتز.

تفصیل مکان دهنده.

بعد رفتاری و ادراکی فضای شهری

در بررسی تاریخ شکل گیری نظریات طراحی شهری و شهرسازی توجه به دو نکته حائز اهمیت است:
الف- با مرور آراء صاحب نظران و نظریه پردازان در می یابیم که پس از تاکید بر مسایل مربوط به ادراکات فضایی و بصری و زیبایی شناختی، لزوم توجه به تقویت تعاملات اجتماعی و تاثیرات محیطی- رفتاری در ادبیات شهرسازی وارد شدند، و پس از آن امروزه با تثبیت تقریبی نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بیشترین فعالیتها و نظریه ها مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی، پایداری و ایجاد امنیت و انسان مداری در قلمرو های عمومی می باشد.اما لازم به ذکر است لزوم توجه به مطالعات رفتاری و تعاملات اجتماعی جز لاینفک طرح های شهری

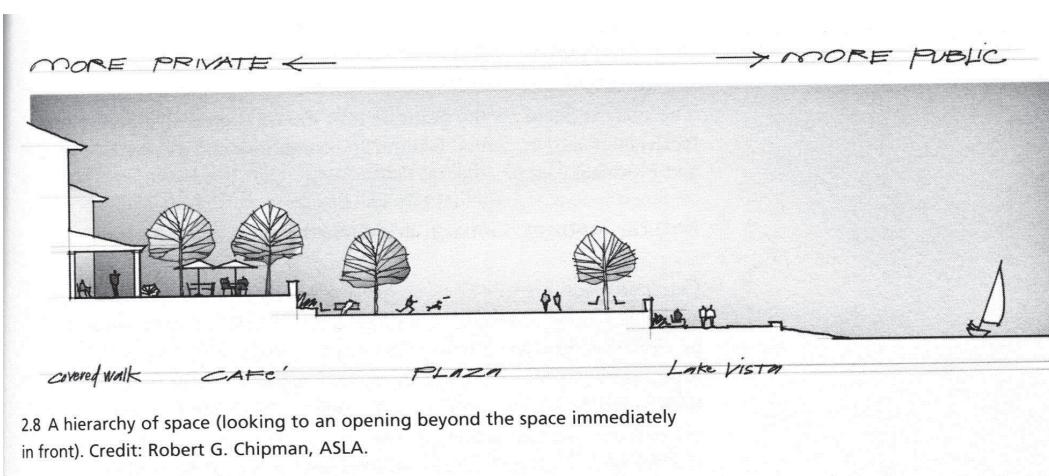
این موضوع صادق است و مردم فواصل بیشتری میان خودشان و سایر افرادی که نمی شناسند، رعایت می کنند. علاوه بر فرهنگ، فواصل شخصی به شرایط، جنسیت و ترجیحات شخصی افراد نیز وابسته است. در فواصل بسیار متراکم ممکن است فاصله اجتماعی و فاصله عمومی با یکدیگر ترکیب و خلاصه شوند (هال، ۱۹۹۰، ص ۸۵).

«کریستوفر الکساندر و همکارانش»، در کتاب «زبان الگو» سیستمی از فضاهای را پیشنهاد می کنند که در آن فضاهای کوچکتر به عنوان فضاهایی که می توان از آن ها فضاهای بزرگتر را تحت نظر گرفت، در نظر گرفته می شوند و با یکدیگر سلسله مراتبی از فضاهای را بوجود می آورند. در فضاهای خارجی، مردم به دنبال نقاطی می گردند که به جای آنکه به طور مستقیم با فضایی رود در رو گردند، از آنجا بتوانند به یک فضای بزرگتر نظر بیاندازند؛ در عین حال نیز از پشت سرshan تحت حفاظت و حمایت از طریق یک فضای دیگر باشند. این یکی از پایه های ترین مفاهیمی است که در ارتباط با شیوه مکان گزینی مردم در یک فضا وجود دارد. این مشاهدات برای ساخت مکان هایی که برای مردم راحت هستند بسیار کاربردی می باشند (الکساندر، ۱۹۷۷، ص ۵۵۸)؛ چنین سلسله مراتبی به استفاده کنندگان این اجازه را می دهد که به مقیاس مورد علاقه شان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۵۰



2.8 A hierarchy of space (looking to an opening beyond the space immediately in front). Credit: Robert G. Chipman, ASLA.

تصویر ۱. ایجاد محیط خصوصی و عمومی همزمان در فضای شهری؛ مأخذ: آرشیو شخصی.

جدول ۱. دسته بندی نظریات موجود در رابطه با بعد ادراکی و رفتاری فضای شهری؛ مأخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	سال	عنوان نظریه-کتاب	مفاهیم کلیدی
جانا آرنت	۱۹۵۸	شرایط انسانی	قلمرو عمومی عامل اصلی برونقربی و زندگی سیاسی و عمومی
پاول زوکر	۱۹۵۹	شهر و میدان	میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفاً محل تجمع افراد
کوین لینچ	۱۹۶۰	سیمای شهر	تشکیل تصویر ذهنی و عناصر سازنده سیمای شهر از دیدگاه شهروندان
جین جیکوبز	۱۹۶۱	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	پیاده رو عامل ایجاد تقویت و تعاملات اجتماعی؛ مفهوم نظارت اجتماعی از طریق طراحی
آموس راپبورت	۱۹۷۷	جنبه های انسانی فرم شهر	موقعیت غیر انفعالی انسان نسبت به محیط؛ جهت یابی عابرین در محیط شهر
ویلیام وايت	۱۹۸۰	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تاكید بر نقش اجتماعی فضای شهری و بررسی الگوهای رفتاری مردم
اپلیارد	۱۹۸۱		تأثیر حمل و نقل و کالبد شهر بر تعاملات اجتماعی
رومیدی پاسینی	۱۹۸۴	مسیریابی در معماری	جهت یابی مردم در فضای شهری و توجه به نیازهای ویژه کاربران
جان لنگ	۱۹۸۷	آفرینش نظریه مماری	قرارگاه های رفتاری، تشکیل طرح واره ذهنی از تصورات مردم از محیط، تعامل قابلیت های محیط ساخته شده و رفتار
جان گهل	۱۹۸۷	زندگی در میان ساختمان ها	تقسیم بندی فعالیت در فضای شهری: ضروری، انتخابی، اجتماعی
اولدنبرگ	۱۹۸۹	مکان خوب، کافه ها، کافی شاپ-ها، و دیگر پاتوق ها در قلب یک اجتماع	تاكید بر تقویت عرصه های عمومی به عنوان قلمرو سوم افراد
کلر کوپر مارکس	۱۹۹۰	مکان های مردمی	ارزیابی محیط سکونتی و معرفی فضای شهری هفتگانه
هاوس کلاو	۱۹۹۹	سرزنندگی اجتماعی	توجه به الگوهای رفتاری و بستر اجتماعی فرهنگی برای طراحی
حسین بحرینی	۱۹۹۶	تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان از فضا	ارائه ضوابط مناسب طراحی با تحلیل کمی و کیفی فضای خیابان و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان از فضا
علی مدنی پور	۲۰۰۰	طراحی فضای شهری	فرایند اجتماعی- مکانی فضای شهری
جهانشاه پاکزاد	۲۰۰۵	راهنمای طراحی شهری در ایران	توجه به زمینه های ادراکی محیطی و رفتاری- محیطی در فرایند طراحی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۲۵۱

بوسیله چیدمان فضا و مبلمان داخل آن تاثیر گذار باشد (مین و گریت هان، ۲۰۱۰، ص ۲۷).

مبلمان شهری

مبلمان شهری به مجموعه وسیعی از وسائل، اشیاء، دستگاه‌ها، نمادها و عناصری گفته می‌شود که چون در شهر و خیابان و در کل در فضای باز نصب شده اند و استفاده عمومی دارند به این اصطلاح معروف شده‌اند. به عبارت دیگر عناصری مانند: نیمکتها، ایستگاه‌های اتوبوس، علایم، منابع نوری، صندوق‌های پستی، سطل‌های زباله که برای راحتی، آسایش و زیبایی بیشتر، ارایه اطلاعات، کنترل حرکت و رفاه شهری‌دان در فضاهای شهری قرار داده شده‌اند؛ مبلمان شهری نام دارد (زارع و پرتوی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

«گوردن کالن» به «هنر تناسبات» اشاره می‌کند و آن را پایه هنر معماری می‌داند. دلیل وجود آن ایجاد نظام معقول بین تمام عناصری است که در تکوین محیط به کار رفته است. ساختمانها، درختان، طبیعت، آب، ترافیک و علائم تبلیغاتی و مبلمان شهری را به‌گونه‌ای بهم مرتبط کنیم تا اینکه نمایش هنری شهری به حقیقت بپیوندد؛ زیرا شهر رویدادی هیجان‌انگیز است (ایرانمنش، ۱۳۸۳، ص ۱۴). تسهیلات و تجهیزات رفاهی درون فضاهای شهری را مبلمان شهری می‌خوانند. مبلمان شهری محیط مناسبی برای زندگی و فعالیت در شهرها فراهم می‌آورد. از چند دهه پیش تاکنون، آگاهی‌های تازه‌ای درباره فضاهای شهری پدید آمده است و باز دیگر خیابان، به عنوان فضایی برای زندگی و نه صرفاً محلی برای عبور و مرور وسایط نقلیه، مطرح شده است. این نگرش را می‌توان بازگشتی به شیوه استفاده از خیابان پیش از تسلط خودرو دانست. بدینسان، تجهیزات مبلمان شهری، در همه سطوح سواره و پیاده، بر کیفیت منظر خیابانها می‌افزاید و اینمی و راحتی شهری‌دان را تأمین می‌کند. از سویی دیگر، «مبلمان شهری شامل نیمکتها، مکان

امروزی است. در واقع دستیابی به شهری پایدار رابطه تنگاتنگی با میزان پاسخگویی محیط و فضای عمومی به تمامی ابعاد نیازهای انسانی دارد و هرجا بحث نیاز مطرح می‌شود رفتار نمود عینی می‌یابد (کاشانی جو، ۱۳۸۹)؛

ب- نکته دوم اینکه توجه صرف به مسایل زیباشناختی و ادراکات بصری مشکلات زیادی برای اجتماعات محلی ایجاد نمودند که منجر به تولید نظریات محیطی رفتاری بالزوم تاکید بر تعاملات اجتماعی شدند. اما همین نظریات بستر رسیدن به نظریات پایداری و تامین کیفیت محیط امروزی شدند، امروزه مقیاس انسانی و انسان مداری در شهرسازی اهمیت یافته و توجه به تامین نیازهای انسانی از جمله تامین اینمی و امنیت محیطی در راس کار طراحان قرار گرفته است. بنابراین سیر تحول ادبیات و نظریات شهرسازی نشان می‌دهد نه تنها مولفه‌های اجتماعی و تاثیرات محیطی رفتاری، حفظ نشده است، بلکه گسترش و ارتقا کیفی سایر ابعاد بر پایه این مولفه‌ها و تقویت آنها منجر به ظهور رویکردهای فعلی شده است، همچنین نظریات مطرح شده در این حیطه نقش مهم و به سزاگی در ساخت کالبدی شهرهای امروزی ایفا کرده است که بررسی آن حائز اهمیت می‌باشد.

فضاهای اجتماع دوست و فضاهای اجتماع گریز^۱

«هامفری اسمند»^۲، روانپژوه کانادایی که به تاثیر محیط اجتماعی بر بهبود شدن شرایط ذهنی بیماران علاقمند بود، دو الگوی فضایی که تاثیر مهمی بر تعامل میان بیماران داشت را شناسایی نمود:

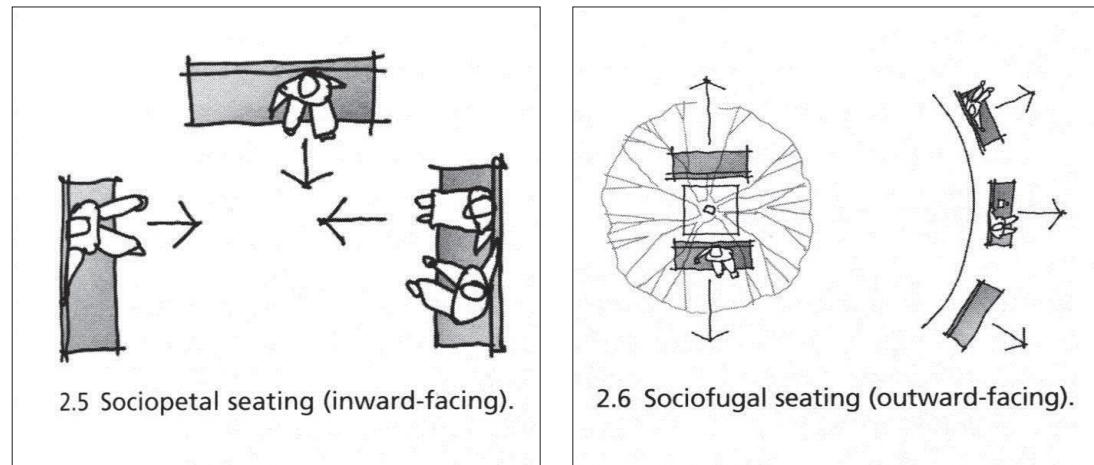
۱- فضاهای اجتماع دوست تمایل به کنار هم جمع کردن افراد دارند و ارتباط و صحبت کردن و معاشرت را تشویق می‌کنند.

۲- فضاهای انزوا دوست تمایل دارند که مردم را از یکدیگر جدا نگه دارند و تعامل‌ها و معاشرتها را تا حد امکان کاهش دهند. طراحان می‌توانند بر میزان وجود تعاملات در فضاهای ایا در یک مکان نشستن

1.Sociopetal

2.Sociofugal

3.Hemphrey Osmond



تصویر ۳. محل نشستن اجتماع دوست (جهت گیری به سمت بیرون از فضای تعامل)؛ مأخذ: آرشیو شخصی.

تصویر ۲. محل نشستن اجتماع گریز (جهت گیری به سمت بیرون از فضای تعامل)؛ مأخذ: آرشیو شخصی.

شناسخه و یا بازشناسی کند؛ به طوری که مکان بواسطه حجم نصب شده دارای شخصیت جغرافیایی، بی نظیر و یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود؛ بنابراین یکی از کارکردهای حجم‌های شهری جایایی و دادن هویت جغرافیایی به فضا و مکان است. یکی دیگر از کارکردهای حجم شهری آن است که باید از نظر فرهنگی هویت بخش و انتقال دهنده پیامی خاص باشد.

۲- «رابطه مقابله فرهنگی»: حجم‌های شهری باید بتوانند با روحیات جمعی مردم و واقعیت‌های اجتماعی آنان ارتباط برقرار کنند. هر فضا و موقعیتی فرهنگ خاص خودش را دارد و حجمی که در آن فضا قرار می‌گیرد، باید با موقعیت و فرهنگ مردمی که از مقابلش می‌گذرند سنتیت داشته باشد. حجم‌های شهری محمل بسیار مهم و در عین حال حساسی در زیبای سازی و هویت دهی به فضاهای عمومی است، چنان که «هنری مور» معتقد است: مجسمه سازی بیش از نقاشی (که به طور عمومی محدود به بیان درونی است)، هنری متعلق به توده است (مور، ۱۳۸۵، ص ۷).

۳- «به عنوان نماد یا نشانه‌ای شهری»: حجم‌های شهری، نه تنها به غنای بصری شهر و فضای زیست اجتماعی ما کمک می‌کنند، بلکه

نشستن، دکه‌های تلفن، تجهیزات بازی کودکان، سلطنهای زباله، کیوسکهای روزنامه فروشی، حفاظها و شبکه‌های درختان، دکه‌های فروش غذا و تجهیزات کافه‌ها و نظایر اینهاست» (حسینیون، ۱۳۸۳، ص ۷۰). طراحی تجهیزات خیابان بخشی از مضمون کلی طراحی شهری است که به فضای شهر زیبایی و راحتی می‌بخشد. عناصر تجهیزات خیابانی یا مبلمان شهری را نباید به صورت منفرد و مجرزا طراحی کرد، بلکه باید به آنها به عنوان بخشی از یک نظام هماهنگ فضای شهری نگریست، که در آن همه اجزاء به طور هماهنگ مورد توجه قرار می‌گیرند و ارتباط مناسبی با ساختمانها (بدنه‌ها) و بستر خیابانها (کفپوشها) برقرار می‌سازند. از این‌رو، حتی در طراحی کوچک‌ترین عناصر مبلمان شهری، برای مثال یک نیمکت یا آبخوری، نباید منظره کلی و فرآیند فضای شهری را نادیده گرفت. مبلمان شهری که قبل از هر چیز به ایجاد تنوع در فضای بصری شهرها کمک می‌کنند، می‌بایست حائز ویژگیهایی باشند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- «هویت بخشی به فضاهای شهری»: مراد از هویت در اینجا یعنی اینکه شخص تا حدی می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکانها

تفاوت‌هایی اساسی دارند. این نوع حجم‌ها، در ارتباط مستقیم با مردم هستند و باید در منظر زیبایی شناختی، یک اثر هنری کامل باشند.

۸- «**ثبت خاطره بصری و مانایی در ذهان»**: در میدانی که از سابقه تاریخی خاصی برخوردار نیستند و نامی قراردادی برای آنها تعیین شده است، به صورتی مورد توجه قرار می‌گیرد که نام مکان را در ذهان بینندگان ثبت کند که به عنوان نمونه می‌توان به میدان لاله (نمادی از لاله) اشاره نمود.

۹- «**بالا بردن سطح آگاهی هنری مخاطب در سبک شناسی**»: (ارتفاع سطح سلیقه عمومی) حجم‌ها تداعی‌گر جلوه‌هایی از هنر در بین مخاطبین و عموم می‌باشند و این رومی توانند مردم را با سبک‌های هنری آشناسازند و بر دانش هنری و سواد بصری آنها بیفزایند.

۱۰- «**سرعت در انتقال مفاهیم**»: این حجم‌ها باید بتوانند به سرعت تاثیر زیبایی شناختی بر مخاطب خود بگذارند، چرا که مخاطب این آثار تنها برای دیدن آنها به شهر نمی‌آیند و در نهایت این مجسمه‌ها باید بتوانند پیام و مفهومشان را به سرعت به مخاطبان خود انتقال دهند (مهاجر، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

۱۱- «**شخصیت هنری یک هنرمند مجسمه ساز**»: ویژگی مهم حجم‌های شهری، تاثیری است که در قیاس با سایر انواع مجسمه سازی از جمله مجسمه سازی فردی یک هنرمند دارد. در حقیقت، حجم شهری در یک نمایشگاه هنری دائمی با مخاطبین بی شمار به نمایش در می‌آید، و به همین دلیل هم در ارتقای دانش تجسمی جامعه به مراتب موثرتر از سایر حجم‌هاست (رهنورد، ۱۳۸۷، ص ۴).

روشهای ارزیابی قرارگاه‌های رفتاری
انجام پژوهش‌های میدانی بر روی «رفتار و فعالیت‌های انسانی» از دهه ۶۰ میلادی آغاز شده است و معماران و طراحانی مانند «کریستوف الکساندر»، «مایکلسون»، «تیل»، «اپلیارد»، وايت

به عنوان نمادها و نشانه‌هایی از فرهنگ و هویت جمعی ما قابل استناد هستند و از این بابت است که باید رویکرده تازه‌تر و جدی‌تر به آنها داشت. نشانه از عناصر اصلی سازنده سیمای شهر است از نظر «کوین لینچ» نشانه‌ها، عواملی در تشخیص قسمت‌های مختلف شهر هستند. خصوصیات نشانه باید چنان باشد که بتوان آن را از میان عوامل بسیار بازشناسن. اگر نشانه‌ها فرمی واضح داشته باشند، با زمینه خود متضاد و به اطراف خود غالب و مسلط باشند شناخت آنها به آسانی میسر است و احتمال بیشتری هست که بر آنها معنایی متصور باشد، مجسمه‌ها در بسیاری موارد به ویژه اگر اندازه آنها بزرگ باشد میتوانند به عنوان نشانه در سطح محله، منطقه یا حتی شهر مطرح شوند.

۴- «**بالا بردن سطح سواد بصری مخاطب**»: کارکرد حجم‌های شهری در این مورد، ارتقاء سطح دانش و آگاهی‌های عمومی شهروندان در خصوص رویداد‌های فرهنگی و غیره است.

۵- «**روحیه بخشی مضاعف به فضای شهری**»: از ابتدایی ترین مقاصد هنرمند به محیط همین گرینه می‌باشد که فضا باید حس سرزندگی را به مخاطب هدیه نماید و در غیر این صورت اهداف متصور شده اجرایی نخواهد شد.

۶- «**متناسب با شأن مکان**»: یکی از مهم ترین کارکردهای حجم، القا روحیه خاص در فضا یا تقویت روحیه یک فضاست. مکان، بخشی از فضاست که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای معنایی ارزشمند است. پس یکی از ملزومات رضایت مندی مخاطب در عرصه شهری، هماهنگی حجم با محیط و تقویت انسجام بصری است. حجمی که موضوع آن یک رویداد تاریخی باشد تا سال‌ها بعد از آن می‌تواند تداعی‌گر این واقعه باشد که به عنوان نمونه می‌توان به حجم میدان انقلاب در تهران اشاره نمود.

۷- «**ارتباط بی واسطه**»: حجم‌های شهری با انواع حجم‌هایی که در موزه‌ها و گالریها می‌بینیم،

مسئله فوق را به صورت جدی دنبال کردند. در حقیقت پایه گذار مطالعات بصری- رفتاری را باید پروفسور «دونالد اپلیارد» دانست که با همکاری «کوین لینچ» و «جان مایر» اولین پژوهش بصری تجسمی را در مقیاس شهری انجام داد. برداشت الگوهای رفتاری افراد در چند میدان مهم تهران نیز توسط بحیرنی انجام شده است. در این روش از تکنیک عکسبرداری تدریجی استفاده شده است. بر اساس نوع، چگونگی و میزان نتایج و دامنه حوزه

مداخله در رفتارهای شهروندی، روش‌های گوناگونی برای پیمایش، بررسی و ارزیابی فرهنگ شهرنشینی و چگونگی کاربست فضایی شهر بوسیله شهروندان، مورد استفاده قرار می‌گیرد که در تحقیقات «ساخت نظریه و آزمون نتایج»، مورد کاربرد دارد. بررسی و مطالعه رفتارهای شهروندی از آن جهت مهم می‌نماید که تنها از بستر این شناخت و ارزیابی رفتارهای شهروندی است که می‌توان، امکان تطبیق فضاهای شهری در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی



نرده و جداکننده‌های شهری: تقسیم و تعریف فضاء؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: نظم، ایمنی و هویت بخشی. برای جداسازی و تعیین حریم، توجه ویژه‌ای به طراحی این وسائل می‌شود.



راه بند و تیرک: تعریف و جدا نمودن فضاء؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: محدودیت عبور و احترام به پیاده.



ساعت شهری: اهمیت دادن به زمان؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: افزایش دقت و برنامه ریزی و زیبایی محیط.



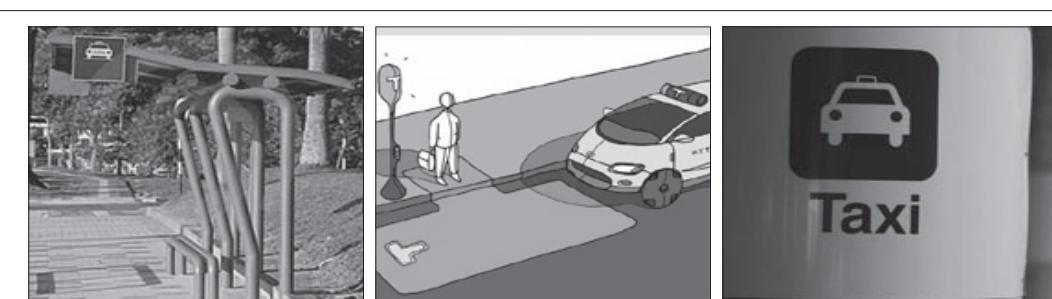
سطل زباله: نظافت و بهداشت عمومی؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: احترام به شهروند و نظم و آراستگی.



سرویس بهداشتی: توالت شهری؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: نظافت و بهداشت شخصی و عمومی، و سازه موقت و قابل حمل.



سرپناه ایستگاه اتوبوس: مکان انتظار و توقف؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: سرپناه، اطلاع رسانی و نشانه شهری.



ایستگاه تاکسی: مکان توقف تاکسی و مسافر؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: سرپناه، نشانه و ایجاد نظم و زیبایی.

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار
No.38 Spring 2015

۲۵۶



پل عابر پیاده؛ اهداف اصلی در این نوع مبلمان عبارتند از: ترافیک روان پیاده و سواره، و ایمنی و آسایش پیاده

شیوه‌های مداخله گر^۱ در ارزیابی قرارگاه‌رفتاری

شیوه‌های مداخله گر را روش‌هایی می‌دانند که به فرد یا گروه مورد مطالعه معرفی شده باشند. تحقیق تجربی^۲ را نمونه کلاسیک رویکرد مداخله گر می‌دانند و مصاحبه و نظر خواهی را، رویکردهای واسطه‌ای مداخله گر در مطالعه رفتارهای شهروندی بشمار می‌آورند (لنگ، ۱۳۷۸، ص. ۶۰). ذکر این نکته نیز بدیهی است که در این روش ممکن است گروه‌های شهروندی، موضوع تحقیق و بررسی را ندانند ولی از این امر آگاهی دارند که در مورد آنها تحقیق می‌شود. شیوه‌های مشاهده مداخله گر در تحقیقات ساخت نظریه^۳ و آزمون نتایج کاربرد بیشتری دارند. از انجا که توانایی طرح سوال خوب، از دانش محتوایی خوب و معطوف به مساله حاصل می‌شود، نمی‌توان انتظار داشت که هر شیوه مطالعه رفتاری و فرهنگی شهرنشینی، دارای کارامدی و موثری نتایج باشد و در عین حال نیز باید توجه داشت که هر شیوه مطالعه، می‌تواند در بستر شرایط، اهداف و حوزه مداخلات، کارامدی بیشتری داشته باشد، چنانچه ویژگیهای روانشناسی و نوع و میزان مناسبات اجتماعی می‌تواند در همکاری شهروندان یا تحقق اهداف تحقیق، تاثیر گذار باشد.

۱. «روش مصاحبه و پیمایش»:^۴ این روش در کارهای حرفه‌ای «مطالعات فرهنگی»^۵ کاربرد گسترده‌ای دارد، بگونه‌ای که در نهادهای مهندسی مشاور شهرسازی در راستای انطباق حوزه مداخلات

شهری را با نیازهای سالم انسان شهری فراهم کرد و از همین روی است که بهره گیری از دانش‌های انسان شناسی، جامعه شناسی و حتی روانشناسی محیطی، دارای اهمیت می‌شود. معیارهای اجتماعی شهری را پدیده‌هایی می‌دانند که به انسان، اجتماع و به استقرار آن نسبت می‌دهند و گستره‌ای از تغییرات تراکم‌های جمعیتی، نیازهای اجتماعی و شرایط زندگی را در بر می‌گیرد (وزین، ۱۳۸۴، ص. ۸۱). علاوه بر این عرصه فضاهای شهری با مفاهیمی مانند خلوت، فضای شخصی، قلمروها و ازدحام ارتباط نزدیکی دارد (آلتمن، ۱۳۸۲)، چنانچه خلوت و فضای شخصی، نوع و رفتارهای خاصی را ایجاد می‌کند، در عین حال که فرایندی دیالکتیکی و دائم در حال تغییر است. قلمروها نیز نقش تسهیل کنندگی در تعاملات اجتماعی و تثبیت نظامهای اجتماعی را در بر دارند که در برخی الگوهای روانشناسی محیطی - روانشناسی «بوم شناختی گیسون»، رفتار و محیط، چنان در هم تنیده می‌شوند که انفکاک آنها دشوار می‌شود، گویی رفتار تنها در بستر محیط شهری، تعریف پذیر می‌شود و رابطه انسان شهری و محیط زندگی، پویا و دائم در حال تغییر می‌شود (نمایان، ۱۳۸۲، ص. دوازده). در هر صورت در راستای مطالعه فرهنگ شهرنشینی، بر حسب نیاز و نوع رویکرد و میزان مداخله در محیط شهروندی، و یا میزان آگاهی شهروندان از مورد مطالعه قرارگیری، می‌توان به شیوه‌هایی اشاره کرد به آنها پرداخته می‌شود:

1.Ubtrusive Method

2.Experimental Research

3.Theory Making

4.Survey Method

5.Cultural Research

نیز از طریق پرسشنامه‌های مکتوب می‌توان از نحوه و ویژگیهای فرهنگی - رفتاری شهروندان، در نوع، میزان و چگونگی بکارگیری فضای شهری آگاهی یافت که به دو صورت پرسشنامه‌های موضوعی و موضعی بر حسب نوع سوالات به صورت پرسشنامه‌های عمیق صورت می‌گیرد. از انجایی که در این روش نیز افراد از مورد بررسی قرار گرفتن آگاهی دارند، ممکن است که از بروز آزادانه رفتارها و تعاملات خویش با محیط شهری، اجتناب کنند که در میزان کارامدی و ارتقا کیفی نتایج حاصل از بررسی و مطالعه، اثرات نامناسبی دارد.

۴. «روش طراحی سریع»^۳ برای پاسخهای غیر کلامی»^۴ منظور از این روش این است که از آنجایی که بسیاری از رفتارهای شهروندان، نمی‌تواند از «طریق کلامی»^۵ ثبت شود، تلاش می‌شود تا پاسخهای غیر کلامی، رفتارها و نحوه بکارگیری فضای شهری بوسیله شهروندان از طریق طراحی سریع یا اسکیس ثبت شود(Vander Ryan Silverstein, 1967) اشتباہ^۶ از نتایج مصاحبه و پیمایش (1975, Marans), عدم درک صحیح شهروندان از پرسشهای مصاحبه Goodrich, 1974)، و یا عدم شفافیت در پاسخگویی یا صداقت در نظرات (محمودی نژاد, ۱۳۸۵) اشاره کرد.

۲. «روش مشاهده و ارزیابی»: در این روش، ضمن آگاهی فرد یا گروه‌های شهروندی مورد مطالعه تلاش می‌شود تا الگوهای رفتاری و نحوه رفتارهای شهروندی از طریق مشاهده مستقیم یا با واسطه، مورد ارزیابی قرار گیرد که در این میان توجه به نوع آداب و سازواره‌های روانی طبقه مورد بررسی نیز، دارای اهمیت بسیاری می‌شود. این امر از آن جهت مهم است که میزان آگاهی افراد از مطالعه و نظرات بر رفتار ایشان در محیط شهری، باعث می‌شود که بسیاری از شهروندان در نحوه بروز اختیاری و آزادانه رفتارهای خود تجدیدنظر کنند و در درستی نتایج حاصل از مطالعه، تردید بوجود آورند.

۳. «روش نظرخواهی و نظرسنجی»: در این روش

۵. «روش ثبت زمانی»^۷: در این روش از شهروندان خواسته می‌شود تا فعالیتها و مکان وقوع آنها را ثبت نمایند (Michelson, 1975) که در این راستا می‌بایست از صداقت و اختیاری بودن اراده شهروندان و میزان همکاری و مشارکت ایشان، در رفتارها و چگونگی بروز در محیط شهری، اطمینان حاصل

1.Plan Making

2.Validity

3.Sketching Method

4.Dialouge Approach

5.Graphical Approach

6.Time Budget Method

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۵۹

نزدیک شوند یا اجازه دهنده دیگران، آن قدر به آنها نزدیک شوند که احساس کنند، دیگر راحت نیستند. این شیوه سه ویژگی اساسی دارد: الف- آزمایش شوندگان آگاهی دارند که رفتارشان تحت نظرات و کنترل است؛ ب- آزمایشگر بر موقعیت یا نوع واکنش آزمایش شوندگان نظرات دارد و در آن مداخله می کند؛ پ- فاصله در این روش، معیار اصلی در تعیین و ارزیابی فضاهای شخصی بشمار می رود و به زاویه قرار گیری افراد در موقعیت، توجه چندانی نمی شود. این شیوه بوسیله «هارویتز»^۵ (1968, Horowitz) نیز در تحقیقات روانشناسی خاص مورد استفاده قرار گرفته است.

۸. «روش کاغذ و قلم»^۶: در این روش از شهروندان و کاربران فضاهای شهری خواسته می شود تا برحسب علایق، شرایط و خواستهای خویش و بصورتی کاملاً اختیاری، در مورد انتخابهایی که در مقابل انها است، تصمیم بگیرند (Sanoff, 1968). این شیوه در واقع نوعی «بازی نیمه تصویری»^۷ است که برای مقاصد طراحی محیط شهری بر اساس نوع و چگونگی رفتارهای شهری و الگوهای کاربست فضای شهری بوسیله شهروندان، مورد استفاده دارد و نمی توان در دیگر موارد از آن استفاده کرد.

۹. «شیوه شبیه سازی»: این روش بر اساس ایده طرح های اجتماعی یا ادراکات مشترک فرهنگی، درباره نحوه کنارهم قرار گیری افراد و اشیاء بنا شد که نخستین بار بوسیله کوته (Kueth, 1962) در دانشگاه جانز هاپکینز کاربست یافت. همچنین از این شیوه در بررسی فضاهای قلمروهای شخصی استفاده می شود که بوسیله آلتمن (Altman, 1975) مورد کاربرد یافت. در این روش، نمادها و شمایلهایی به افراد مورد مطالعه داده می شود و از آنها خواسته می شود تا درباره فاصله میان آنها قضاوت کنند.

کرد. از آنجا که این روش به میزان روش‌های دیگر، از همکاری و مشارکت بیشتری از طرف شهروندان نیاز دارد، می باشد پس از اطمینان از مشارکت صادقانه و مشارکت پذیری شهروندی، نسبت به انجام آن اقدام کرد تا از نحوه و میزان درستی نتایج بررسی و مطالعه ساختار فرهنگی شهر که در نحوه رفتارهای شهروندان و آداب شهرنشینی در محیط شهری حاصل می شود، اطمینان حاصل شود.

۶. «روش ثبت زمانی بر عکس های هوایی»: در این روش، مطابق روش بالا از شهروندان خواسته می شود تا مکان بروز، نوع فعالیت و یا رفتار خود را بر روی عکس های هوایی و یا ساختار «دید از بالا» (پلان) ثبت کنند (Michelson, 1970). آنچه در این دو روش مهم بنظر می رسد، این است که از انجایی که این روشها بوسیله خود شهروندان که در مقیاس عام از ابزار و نوع این ثبتها آگاهی ندارند صورت می گیرد، می تواند در کارامدی نتایج و بازدهی درستی نتایج تحقیق، تا حدودی تردید ایجاد کند.

۷. «روش آزمایشگاهی»: ^۸ این شیوه بوسیله آلتمن (Altman, 1975) در تعیین فضاهای شخصی شهروندان و میزان قلمروهای فردی ایشان مورد استفاده قرار گرفت که در آن از آزمایش شونده می خواهند، «فاصله واقعی»^۹ میان خود و دیگران را انتخاب کنند. از آنجا که تمایل پژوهشگران مطالعات فرهنگ شهری به سوی رفتارهای «مکان واقعی»^{۱۰} در حال افزایش است، این روش از مقبولیت ویژه ای در بین پژوهشگران برخوردار شده است. این روش از شیوه های بررسی فضاهای شخصی^{۱۱} بشمار می رود که در تعیین میزان اجتماع پذیری شهروندان و احساس اجتماعی ایشان در محیط شهری، دارای کاربرد است. در این شیوه می توان از شهروندان مورد مطالعه درخواست کرد تا به دیگر شهروندان

1.Labroating Method

2.Real Distance

3.Real Place Behavior

4.Personal Space

۵. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Horowitz, M.J. (1968) Spatial Behavior and Psychopathology, the Journal of Nervous and Mental Disease, pp. 24_35.
6. Paper and Pencil Technique

این شیوه بر اساس نوع و ابزار کار، به انواع شیوه جایگزینی آزاد، روش بازسازی و روش طرح های خطی و روش اشکال انتزاعی، تقسیم می شود.

۱۰. «روش بازسازی جایگزینی»:^۱ در این روش کارتهای عکس داری را که از پیش چیده شده اند، برای مدتی کوتاه در اختیار آزمایش شونده قرار می دهند و پس از بهم ریختن ترتیب اشکال، از آنها خواسته می شود تا دوباره آنها را سرجای خود قرار دهند.

۱۱. «روش طرحهای خطی»:^۲ در این روش نیز از طرح های خطی تاریک، شمایلها و آدمها در حالات گوناگون (لم داده، نشسته متمایل به جلو)، مجسمه ها و عروسکها برای نمایش محیط پیرامون استفاده می شود. این روش بزعم کوته (Kuethe, 1963) می تواند در شناسایی ادراکات مشترک فرهنگی، بر اساس ایده طرح های اجتماعی مورد کاربرد قرار گیرد.

۱۲. «روش اشکال انتزاعی»: در این روش اشکال انتزاعی^۳ (مثل دایره و مثلث) را که نشان دهنده انسان ها بشمار می روند، به افراد مورد مطالعه می دهند و از ایشان می خواهند تا آنها را به صورت خطی، در داخل یا خارج محدوده هایی مشخص بچینند.

شیوه های غیرمداخله گر^۴ در ارزیابی قرارگاه رفتاری

شیوه های غیرمداخله گر نیز به روشهایی اطلاق می شود که افراد مورد مطالعه در نواحی شهری، نسبت به انجام تحقیق آگاهی ندارند (لنگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱). این شیوه در بررسی چگونگی استفاده وضع موجود محیط شهری و میزان تمایل مردم به رفتارهای خاص، و یا عدم سازگاری الگوهای رفتاری و محیط کالبدی، کاربرد دارند. در واقع می توان به

این نکته اشاره کرد که در شیوه غیرمداخله گر، شهروندان نسبت به انجام تحقیق بر روی رفتارهای شهروندی آگاهی ندارند و امکان ظاهرسازی و عدم درستی رفتارهای شهروندان در محیط شهری کاهش می یابد. این روشها بر اساس اصل محوری عدم آگاهی شهروندان شکل می گیرند و بر حسب مورد بررسی، زمان و نوع رویکرد و یا اهداف تحقیق گونه های مختلفی را بخود می گیرند. از انجا که طراحان شهری و معماران، در سیر مطالعه رفتارها و الگوهای فرهنگ شهری بحسب نوع و هدف تحقیق از رویکردهای ذهنی، برای مطالعه و تحلیل رفتارها و فرهنگ شهرنشینی حاکم، بهره می برند (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۰) و با توجه به پیچیدگی رفتارها و فرهنگ حاکم بر انسان شهری، ضروری بنظر می رسد که مطالعه فرهنگ شهری حاکم بر فضاهای شهری که الگوهای رفتاری شهری را بوجود می آورد، مورد توجه قرار گیرد. با این وجود تنها در دو دهه اخیر است که این امر در مطالعه الگوهای رفتاری شهری بوسیله اندیشمندانی مانند کریستوفر الکساندر (Alexander, 1964)، مایکلسون (Michelson, 1975, Thiel, 1961, 1964), یارد (Appleyard, 1964), وان در راین (Van der Whyte, 1980), وایت (ryne, 1965) بررسی گرفته است.

۱. «روش آزمایش‌های طبیعی»:^۵ در این روش برای بررسی رفتارهای شهروندی از اصل «واکنشهای رفتاری»^۶ استفاده می شود، بدانگونه که مشاهده گر برخی از عناصر محیط شهری را دستکاری می کند (Patterson, 1974) تا نوع و چگونگی واکنش رفتاری شهروندان را در مقابل آن تغییر، ارزیابی و بررسی کند. شهروندان مورد بررسی در این روش

1. Alternative Replacing
2. Liner Design
2. Subjective Forms
4. Unobtrusive Method
5. Natural Experiments
6. Reaction of Behavior

بطور تصادفی انتخاب می شوند (لنگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱) و بر حسب هدف تحقیق می تواند در فضاهای شهری متفاوت با رویکردهای موضوعی، موضوعی و عام مورد کاوش قرار داد.

۲. «روش مشاهده همراه با مشارکت»:^۱ در این روش، مشاهده گر بخشی از نظام مورد مطالعه می شود و اساس آن را نحوه و میزان مشارکت مشاهده گر مطالعات شهری، در محیط مورد بررسی تشکیل می دهد (Gans, 1967). انچه در این میان اهمیت فزاینده ای دارد، توجه به این امر است که مشاهده گر نباید خود را از ساختار مورد مطالعه^۲ جدا کند یا رفتاری را بروز دهد که شهروندان مورد مطالعه را از وجود خویش، بعنوان یک مشاهده گر رفتارهای شهری آگاه گرداند.

۳. «روش مشاهده ردھای فیزیکی»:^۳ این روش متداول ترین روش در میان معماران و خاصه، طراحان شهری در بررسی رفتارهای شهروندان و مطالعه الگوهای رفتاری نشات گرفته از فرهنگ شهرنشینی حاکم، از جانب ایشان است. در واقع در این روش از ثبت ردھای فیزیکی در بخشهایی از محیط شهری استفاده می شود که در اثر استفاده فرسوده شده یا چیزهایی به آن اضافه شده است (لنگ، ۱۳۷۸، ص ۶۱)، بعنوان مثال می توان از مسیرهای ایجاد شده بر روی چمنها یا عناصری که به ساختمنها اضافه شده اند و یا تغییراتی که در محلهای خاص از شهر در محیط کالبدی صورت گرفته است، به نیازهای مردم و الگوهای رفتاری و فرهنگ حاکم بر فضاهای خاص شهری و حتی پاسخگویی محیط شهری به فرهنگ و الگوهای رفتاری سالم شهروندی، پی برد (Cooper, 1975).

۴. «روش میدانی/طبیعت گرایانه»: این شیوه نوع غیرمداخله گر در ارزیابی و بررسی فضاهای شخصی بشمار می رود که بوسیله آلتمن (Altman, 1975)

مورد استفاده قرار گرفت. در این روش فضاهای شخصی افراد در محیطهای طبیعی^۴ و با اندک مداخله آزمایشگر مطالعات فرهنگی اندازه گرفته می شود (آلتمن، ۱۳۸۲، ص ۶۶). آلتمن، این روش را دارای کاربرد فراگیری در عرصه های فضاهای عمومی شهری مانند خیابان، میدان و دیگر اماكن طبیعی می داند که می تواند در سنجش این مفاهیم و عرصه های خصوصی^۵ و اجتماع پذیری شهروندان در کشور ما نیز مورد استفاده يابد، چراکه با حافظل میزان مداخله مشاهده گر همراه می شود و از ضریب معنای پذیری و کارآمدی بالایی در درستی نتایج، برخوردار می شود.

۵. «روش مشاهده ساده»:^۶ این روش به ثبت سازمان یافته رفتارهای شهروندان، بدون دستکاری در محیط و هرگونه مداخله در ساختار شهر می پردازد (Lang, 1987). در این روش بر خلاف روش آزمایشهای طبیعی، از هر گونه اقدام مداخلاتی در محیط شهری پرهیز می کند و تنها به ثبت مطالعاتی الگوهای حاکم رفتاری شهروندان و مکانیسمهای تعاملی بین انسان و محیط می پردازد. از همین رویکرد می توان بعنوان ساده ترین روش در اجرا، برای بررسی مکانیسمهای رفتاری و فرهنگ شهری حاکم بر ساختار شهری بهره گرفت. روش مشاهده ساده را پر کاربرد ترین روش در مطالعه رفتارهای منبع از فرهنگ شهری می دانند که در ادامه به انواع آن اشاره می شود.

۶. «روش دوربین متحرک/دید عابر سواره»: دانالد اپلیارد را پایه گذار مطالعات بصری - رفتاری می دانند که با همکاری کوین لینچ و جان مایر، نخستین تحقیق بصری را در مقیاس شهری انجام داد که در سال ۱۹۶۱ تحت عنوان دید از جاده (The View From The Road) منتشر شد. در این مطالعه بر جنبه های ادراکی و بصری محیط، بالاخص از دید

1. Participant Observation
2. Case Study
3. Phisical Traces
4. Natural Environment

5. Privacy Space
6. Simple Observation

مدرس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۲۶۱

عابر سواره تاکید شد و جنبه های رفتاری استفاده کنندگان از فضا مورد توجه قرار نگرفت. در این روش دوربین فیلمبرداری متحرک مورد استفاده قرار گرفت که از دید عابر سواره بهره می برد.

۷. «روش شهرونده ثابت/ فضا متغیر»: این روش مطالعه، به جنبه های رفتاری استفاده کنندگان از فضا معطوف بود و دهسال بعد از اپل یارد به انجام رسید (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۳). مبدع این روش را «ویلیام مایکلسون» (1975, Michelson) می دانند که هدفش، بررسی و شناخت الگوهای رفتاری افراد در دوره های زمانی مختلف (روزانه، هفتگی و ماهیانه) بود.

۸. «روش شهرونده متغیر/ فضا ثابت»: در این تحقیق که جامع ترین و نخستین تحقیق ایرانی در حوزه مطالعات فرهنگی و رفتاری شهری بشمار می رود، بوسیله دکتر حسین بحرینی به انجام رسید که الگوهای رفتاری شهروندان در میزان و چگونگی بکارگیری فضاهای شهری را در میدان انقلاب، چهار راه ولی عصر، چهار راه جمهوری، میدان مخبر الدوله، میدان شوش، میدان گمرک و میدان امام (تپیخانه)، مورد بررسی قرار داده است. تفاوت این روش با روش مایکلسون که استفاده کننده از فضا ثابت ولی فضا متغیر است، در این رویکرد فضا ثابت ولی استفاده کنندگان فضا متغیر می شوند.

۹. «روش لابراتوار / شبیه سازی»: ^۱ این روش در سال ۱۹۶۶ بوسیله وینکل (Winkel) و ساسانف (Sasanoff) در دانشگاه واشینگتن آمریکا انجام گرفت که امکان مطالعه یک فضای واقعی را بصورت لابراتوار از طریق شبیه سازی فراهم می کرد. هدف این مطالعه، روشی جهت پیش بینی رفتار استفاده کنندگان آتی فضاهای مورد نظر بود تا امکان انطباق طراحی این فضاهای با نیازهای واقعی استفاده کنندگان، فراهم شود (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۵). در این روش از دو طریق نسبت به انجام مطالعه اقدام گردید:

۱۰. «روش اول: تعقیب بازدید کنندگان»:^۲ در این روش از طریق مشاهده و ثبت حرکات بازدیدکنندگان، و با استفاده از پلان گالریهای موزه و یک ساعت صورت می گرفت و مسیر حرکت بازدیدکنندگان با مداد، بصورت خطی ممتد بر روی پلان موزه منعکس می شد. پس از اتمام هر بازدید نیز، مصاحبہ ای از بازدیدکنندگان بعمل می آمد و نحوه و چگونگی الگوهای رفتاری ایشان در موزه ثبت می شد. در این روش نمونه گیری بصورت تصادفی و بر اساس هر چند دقیقه یک نفر انجام می شد.

۱۱. «روش دوم: شبیه سازی»:^۳ پس از ثبت وضعیت واقعی حرکتها یک مدل ساختگی تشکیل می شد تا امکان مقایسه نتایج فراهم شود. نحوه انجام مطالعه به این ترتیب بود که اسلامیدهایی از فضاهای مختلف موزه بخصوص فضاهای مورد توجه بازدیدکنندگان تهییه می شد و بوسیله سه پروژکتور از اطاکی که برای این کار در نظر گرفته شده بود بر روی سه پرده نمایش داده می شد.

۱۲. «روش زندگی اجتماعی در فضاهای کوچک شهری»: «ویلیام وايت»^۴ در سال ۱۹۸۰ تحقیقی تحت عنوان زندگی اجتماعی در فضاهای کوچک (The Social Life of Small Urban Space) شهری انجام داد که نخستین تحقیق بنیادین در شناخت رفتارهای مردم عادی در خیابان و نظم و روال حاکم بر رفتارها و نحوه آداب و اخلاق شهروندان در بکارگیری فضاهای شهری بشمار می رود. وايت در این تحقیق نشان داد که کدام فضاهای در برابر رفتارهای انسان شهری پاسخگو می شوند و کدام فضاهای شهری در این باره پاسخگو نمی باشند. همچنین باید به تحقیقات بنتلی و همکاران نیز در ایجاد محیط های پاسخگو در ساختار شهری اشاره کرد.

۱۳. «روش بررسی الگوهای رفتاری شهروندان»: این روش بوسیله «کانستانا کانیگلیاریسپولی» در پژوهه

1. Simulation/ Laboratory Method

2. Traking Method

3. Simulation Method

4. William Whyte

ای برای میدان Piazzale Tecchio در شهر ناپل به انجام رسید که معطوف به بررسی الگوهای رفتاری استفاده کنندگان فضای می‌شد و از آن برای تجدید نظر در طرح میدان استفاده گردید. این بررسی با وجود ایده‌های جالب توجه، بدليل محدودیتها و فرضیات فراوانی که در آن وجود دارد، ارزش و اعتبار چندانی نیافته است.

۱۴. «روشهای ابزاری/ تکنیکی»:^۱ علاوه بر این بر حسب نوع ابزار و تکنولوژی مطالعاتی نیز، می‌توان مراتبی را بر چگونگی مطالعه فرهنگ شهرنشینی و الگوهای رفتاری حاکم در نظر گرفت که می‌توانند در روشهای فوق و خاصه در روش مشاهده ساده مورد استفاده قرار گیرند. این روشهای مولفه‌های ابزاری ویژه‌ای در بررسی رفتارهای شهری بوده می‌گیرند که تنها هنگامی کاربرد می‌یابد که امکان بررسی از طریق دیگر شیوه‌ها، ممکن نباشد و یا بر اساس شرایط زمانی و مکانی ویا اقتضای فرهنگی و اجتماعی، می‌بایست از آنها بهره برده شود. در هر صورت این روشهای می‌توانند بعنوان مولفه‌هایی تاثیرگذار در کارامدی و ارتقا موثر نتایج بیفزایند.

۱۵. «روش فیلمبرداری»: در این روش بر حسب محل و منطقه مورد بررسی از لحاظ ابعاد مکانی یا مدت زمانی پژوهش، از فیلمبرداری استفاده می‌شود (Carr, Schissler 1969) که می‌تواند با ضبط ویدئویی نیز همراه شود (Helmreich 1974) و (Scheflen 1976). این روش از انجا که کمترین مداخله از طرف مشاهده گر را در محیط شهری باعث می‌شود، و جزیی از مبلمان فضاهای شهری تصور می‌شود و کمترین میزان آگاهی یا توجه شهری بدان می‌شود که می‌تواند موارد استفاده را بخود جلب می‌کند، می‌تواند موارد استفاده مناسب تری نسبت به روشهای دیگر داشته باشد. بر این اساس می‌توان به نکات قوت این روش چنین اشاره کرد: الف- کمینه مداخله در ساختار کالبدی شهری؛ ب- کمینه استفاده مستقیم مشاهده گر در

مطالعه رفتار شهری؛ پ- ایجاد کمترین توجه شهری و امکان بروز رفتارهای واقعی شهری؛ ت- صرفه جویی در زمان و هزینه مشاهده گران در روند مطالعه فرهنگی؛ ث- افزایش میزان کارامدی نتایج و ارتقا موثر مطالعه و بررسی.

۱۶. «روش عکسبرداری»: در این روش از طریق عکسبرداری از نوع و چگونگی رفتارها و فرهنگ حاکم بر الگوهای رفتاری شهری، می‌توان به ثبت و ارزیابی رفتارها و فرهنگ حاکم بر شهر در حوزه شهرنشینی پرداخت (Ayers, Davis 1975). این روش را در هنگام بررسی حوزه‌های محدود، مورد استفاده قرار می‌دهند و در محیط‌هایی با ابعاد کوچک کاربرد دارد.

همسویگی معنادار طراحی مبلمان شهری و مدیریت رفتار شهری

چنانکه پیش از این توضیح داده شد مهم ترین عامل در خلق فضاهای سرزنش و مدیریت رفتاری شهری، تامین شرایطی است که در آن ارتباط اجتماعی، زمان‌های حضور مردم و نیز امکاناتی برای مکث و توقف تشویق گردد. لذا طراحی مبلمان و فضاهای شهری باید همسویگی معناداری با رفتار شهری بدان و الگوهای رفتاری آنها داشته باشد:

۱. همسویی چیدمان و فواصل مبلمان و فعالیت اجتماعی: مبلمان موجود در فضای شهری با انواع و نوع چیدمانش، می‌تواند پیغام‌های اجتماعی مخابره کند. با برقراری امکاناتی برای برقراری ارتباط اجتماعی و تعاملات جمعی مبلمان در واقع حمایت خود را از اجتماع شهرباز اعلام می‌دارد. برای برقراری ارتباط اجتماعی انواع مختلفی از صندلی‌های متحرک، صندلی‌های ثابتی که رو به یکدیگر جهت گیری کرده‌اند و در نهایت صندلی‌هایی که با زاویه‌ای اما در فاصله اجتماعی (۳-۹ متر، ۱۲-۴ فوت) نسبت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. انواع دیگری

1. Techniqual Approach

بسیار با اهمیت هستند (وایت، ۱۹۸۰، ص ۴۰) برایانت پارک از موفق ترین فضاهای شهری در نیویورک است که در آن هزاران صندلی قابل تحرک وجود دارد. بسیاری از مردم در هنگام صرف ناها و گپ های دوستانه به این مکان می آیند و حتی بسیاری از مردم بالپ تاپ هایشان برای انجام کارهایشان به آن جا می آیند. عامل وجود مکان نشستن از بسیاری عوامل مانند شکل یک فضا، مساحت و بزرگی آن، میزان آفتتابگیری فضا. بر روی حضور پذیری فضا پیشی می گیرد. هرقدر هم که فضایی دارای جداره های جذاب باشد و مباحث معمارانه با جلوه گری به نمایش خود مشغول باشند و هرچند آبنمای بسیار زیبایی در یک فضا باشد، باز به اندازه وجود مکانهای نشستن مختلف و زیاد نمی تواند در جذب مردم موفق باشد (وایت، ۱۹۸۰، ص ۴۵).

نتیجه گیری و جمع بندی

شكل گیری قرارگاه های رفتاری در یک فضا می تواند در زمینه برهمنشانی فعالیت بر یک مکان در یک دوره زمانی خاص اثربخش باشد که در دوره های زمانی طولانی ماهیت طراحی فضاهای را نیز باید با خود همراه کند تا شکلگیری محیط هایی پاسخده و مطلوب برای شهروندان خاصه حوزه بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری فراهم گردد. از سویی مبلمان و فضاهای شهری مانند دیوارهای کوتاه یا نیمکتهایی که در کنجهای و بازاویه نسبت به یکدیگر قرار گرفته اند نیز به نوبه خود برای برقراری تعاملات مفید هستند. همسوئی مبلمان و فعالیت اجتماعی همه شمولی) مبلمان همین طور با فراهم آوردن امکانات و فرصت های برای گروه هایی که اغلب تحت پوشش نیستند مانند افراد سالخورد و یا اینکه افراد کم توان، التزام و تعهد خود را نسبت به همه افراد جامعه نشان می دهد.

۲. مبلمان و فعالیت های انتخابی و اجتماعی: شهرهایی که خوب طراحی شده اند، مکان های بسیاری برای نشستن عرضه می کنند که در نقاط درست و به جا واقع شده اند. نیمکتها و فضاهای نشستن نقش بسیار مهمی در میزان استفاده و موفقیت یک فضای شهری دارند. به گونه ای که در مطالعات انجام شده توسط ویلیام وايت با تکنیک «عکسبرداری با فواصل منظم»، مهمترین تاثیر را میزان وجود فضای نشستن به صورت عام و میزان وجود نیمکت ها و صندلی های آن فضا تشکیل می دهد. چنانچه یک فضا دارای سطوح قابل نشستن زیادی باشد و یا تعداد نیمکت و صندلی زیادی برخوردار باشد به معنای این است که این مکان به مردم خوش آمد می گوید و فضای بسیار زیاد و انتخاب های متنوعی را در اختیار می گذارد. جداول استفاده از فضاهای رفتاری و نیازها و خواسته های شهروندان که پلازهای معروف به طور چشمگیری فضاهای نشستن بیشتری نسبت به آنها می دارد. این مجموعه ای از فضاهای شهری از هر مغایری که این نتیجه رسید که «صرف نظر از هر متغیری که اندازه گیری کردیم، مردم جاهائی تمایل به نشستن دارند که مکان نشستن وجود داشته باشد.» وايت به این معتقد بود که این اطلاعات تنها یافته هایی بسیار حیرت انگیز نیستند، بلکه حقایقی حیاتی هستند که در ارائه راهنمای طراحی اجزای مبلمان شهری است که نه تنها رنگ، هماهنگی با محیط پیرامون،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۲۶۵

شهری از جانب ارگانها میتوان روند استفاده از این خدمات را سرعت بخشد و به طبع آن شاهد سرعت گرفتن فعالیت های جانبی از طرف شهروندان و تلاش مضاعف ایشان در جهت زندگی شهروندی بود. «۲. ایجاد میل و انگیزه در شهروندان در جهت بهسازی محیط شهری»: با زیباسازی سطح شهر که وابستگی بسیار زیادی بر طراحی مبلمان شهری دارد می تواند روحیه حفظ و نگهداری از محیط شهری را در شهروندان افزایش داده و اهمیت فضای شهری را در نگاه مخاطبانش بالا ببرد که این مسئله به کوششی غیر مستقیم در نگهداری و زیباسازی شهری در ذهن عمومی جامعه دامن میزند. «۳.» هویت بخشی به فضاهای مختلف شهری»: در صورت رعایت این اصل شهروندان می توانند با مشاهده یک مکان خاص از آن به عنوان مکانی متمایز از سایر مکانها یاد کنند در صورتی که مبلمان شهری ارائه شده در هر محله و شهر گویای هویت تاریخی و فرهنگی آن محله یا شهر باشد می توان به نوعی شخصیت دهی فرهنگی در سطح کلان دامن بزند. از دیدگاه طراحان، انتخاب و طراحی مناسب مبلمان شهری، حفظ هویت مکان و نمود بیشتر آن را ممکن می سازد. این برخورد در احیای مناطق تاریخی و سنتی بسیار موثر است. اگر دخالت در شهر به تزیینات سطحی محدود نشود، باید میان بافت اجتماعی و فضای شهر توازنی ایجاد کرد. آن گاه که بافت اجتماعی مکانی ثبت شده و در میان ساکنانش مفهوم شهرنشینی، ریشه‌ای عمیق دوane، می توان به ساختارهایی مکمل در سیما و منظر آن پرداخت و شرایط را برای حفظ محیط و رفاه اهالی مهیا کرد. «۴. رعایت اصل پیاده گسترشی»: به معنای گسترش فضای پیاده در سطح شهرها به جهت ارتقاء سطح کیفی زندگی شهری و ایجاد میل به پیاده روی در شهروندان با گسترش این مقوله در سطح شهرها میتوانیم شاهد برقراری رابطه عمیقتراً بین شهروندان و محیط شهری باشیم. «۵. ایجاد یکپارچگی در سطح شهر در عین تنوع فرم»: با



نمودار ۱۲. سلسله مراتب ارزشی میزان اهمیت بکارگیری روشهای ارزیابی رفتار و قرارگاه های رفتاری در بازطراحی فضا و مبلمان؛ مأخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

دوام، ایمنی و اقتصادی بودن آنها مورد نظر است، بلکه باید از نظر عملکردی، جانمایی مناسبی در سطح شهر داشته باشند تا بتوانند پاسخگوی نیاز شهروندان باشند.

در بازطراحی مبلمان و فضاهای شهری عناصر متعددی در شهر جای گرفته‌اند که جزئی از مکان هستند و چنانچه با یکدیگر هماهنگی و انسجام داشته باشند، مضامین و مفاهیم مشترکی را بیان می‌کنند. در کل می توان اهداف کلی زیر را در باز طراحی و ارائه طراحی مبلمان شهری در انتبار باز نیاز شهروندان که باید از روشهای ارزیابی شهری (روشهای مداخله گر یا غیرمداخله گر استفاده شود) انتظار داشت: «۱. ارتقاء کیفیت خدمات عمومی شهری و ایجاد سرزندگی در شهروندان در چارچوب مدیریت منظر شهری»: با نوسازی و بهسازی مبلمان شهری و طراحی اصولی آن به گونه‌ای که همگام با نیازهای مادی و روانی شهروندان باشد میتوان به نحو چشمگیری شاهد پیشرفت و تکاپو در فعالیت های اجتماعی بود. در صورت ارائه درست خدمات

۳. «تقویت چهره و هویت»: یافتن چهره و هویتی خاص برای شهری از طریق علائم و مبلمان، کار پیچیده است. تاریخ شهر، بافت موجود شهری و چشم انداز و نقش آینده شهر همگی می بایست مورد توجه قرار گیرد.

۴. «هماهنگی»: ضوابط کنترل کننده و استانداردها از ابزارهای ایجاد هماهنگی میان تابلوها با یکدیگر و با محیط شهری است. این استانداردها و قواعد لزوماً چنین نیست که خلاقيت طراحان را محدود سازد؛ بجز تابلوهای راهنمایی و رانندگی که از استانداردهای بین المللی پیروی می کنند، در سایر زمینه ها می توان راه حل های مبتکرانه و هماهنگ با محیط برای انتخاب شکل، رنگ، ابعاد و نورپردازی بسته به شرایط و محل به کار برد شود.

۵. «اصل محصور کردن فضا»: اگر فضا به شکل مطلوبی محصور نشود نمی توان به یک فضای شهری مطلوب دست یافت. نسبت ارتفاع به بدنه فضای محصور اگر یک به دو باشد در این حالت لبه بالایی بدنه تقرباً بر محدوده بالایی میدان دید منطبق است و آستانه محصور شدن در فضاست. اصل مقیاس و تناسب (مقیاس انسانی): اگر اندازه یک فضا با پیکر انسان ارتباط مطلوب داشته باشد گفته می شود که فضا مقیاس انسانی دارد.

۶. «اصل فضاهای متباین»: فضاهایی هستند که از نظر خصوصیات عرض و طول و ارتفاع از طرفی و عناصر و اجزاء محصور کننده از طرف دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. ارزش فضاهای متباین این است که از یکنواختی فضاهای ارتباط دهنده می کاهد.

۷. «طراحی بدنه های فضای شهری»: دیواره ها و جدارهای محصور کننده یک فضا باید دارای خصوصیاتی باشد تا بتوان به یک فضای مطلوب دست پیدا کرد. دارای نظم باشد؛ بین نماها و اجزاء یک نما از لحاظ کمیت؛ سازگاری و توافق وجود داشته باشد. دارای وحدت و ترکیب باشد؛ ترکیب بر پیوند و ترتیب اجزاء و عناصر استوار است و وحدت نما حاصل یگانگی و تقویت محور مرکزی است.

طراحی و نصب مبلمانهای شهری یکپارچه با چندین کارکرد مختلف می توان ضمن ایجاد یکپارچگی در اجزای شهر موجبات کاهش مصرف مواد و کاهش هزینه های ساخت و کاهش ابعاد را فراهم آورد.

از طرفی با یکپارچه سازی مبلمان شهری می توان از تکثیر جزئیات اضافی بسیاری در خیابانها کاست. نکته ظریف در این میان وجه تمایز سیستم های یکپارچه با سیستم های چندمنظوره است؛ در یک سیستم چندمنظوره، محصول از ابتدا به این قصد طراحی می شود و احتمال دگرگونی در سیما و پیکره آن زیاد است، اما در مبلمان یکپارچه لزوماً چنین هدفی دنبال نمی شود بلکه اجزاء و عناصر مورد نظر در صورت تطابق و حفظ پیوستگی ظاهری با عنصر ثابتی یکپارچه می شوند. مبلمان شهری بر طبق یک سری قواعد و معیار ها به وجود می آید. اصول و قواعدی که محصول قرن ها تجربه بوده و در طراحی رعایت می شده است:

۱. «خوانایی»: یکی از مهمترین خصوصیاتی که تابلوها یا علامت باید داشته باشد، خوانایی در زمینه و محیط شهری است. در این زمینه لینچ در ادامه مطالعه ای که برای معرفی عناصر پنج گانه سیستم خوانایی شهر انجام داده به تعریف رابطه با علائم شهری پرداخته است. خلاصه دیدگاه او درباره علائم و مبلمان شهری با عناصر خوانایی شهری به این شرح است که؛ کیفیتهای مثبت و منفی شهر که در پنج عنصر (گره، راه، نشانه، لبه و محله) بیان شده اند و تعاملات پیچیده میان آنها برای ارزیابی و تعیین جنبه های مثبت فرم به کار می روند.

۲. «متمايز بودن»: برای اینکه علامتی بتواند در محیط شهری شناسایی شود، می بایست به نوعی از زمینه و سایر علائم اطراف متمايز گردد. بر جسته کردن علائم از محیط شلوغ و مغشوش و اغلب گیج کننده، راه حل متمايز بودن محسوب می شود. راه حل دیگر، خلق طرح و شکلی متمايز برای آن علامت است. یکی از ابزارهای دیگر، رنگ است؛ چراکه رنگ به سادگی قابل شناسایی است.

<p>نمونه</p> <p>وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری- تفریحی</p> <p>حرکت دسته های عزاداری در ایام خاص منجر به توقف و تماشا می شود؛ فعالیت های شباهنگی منجر به سرزنشی و حضور بیشتر مردم در فضای می شود</p> <p>وجود فعالیتهایی همچون دستگاهی، بازارهای سریاز و هفتگی، تاترهای خیابانی منجر به کشاندن مردم و تغییر الگوهای رفتاری در آن محدوده می شود</p> <p>وجود اغذیه فروشی در یک راسته تجاری و تفریحی؛ وجود کتاب فروشی یا خرد فروشی در راسته صنعتی و کارگاهی</p>	<p>جذب جمعیت و ایجاد ازدحام؛ تغییر حالت از عبور به مکث و توقف و خرید یا تفریح یا خوردن؛ گاهی به عنوان مانع در مسیر افرادی که عجله دارند عمل می کند و باعث تغییر جهت افراد می شود؛ میزان تناسب فعالیت ها در میزان استفاده افراد موثر است</p>	<p>زمان انجام فعالیت (فعالیت های شباهنگی یا روزانه یا فصلی)</p> <p>مکان فعالیت (در فضای بسته یا باز)</p> <p>تناسب فعالیت ها</p>	
<p>روشهای ارزیابی غیرمادخله گردد</p> <p>در خیابان عبوری مردم صرفا برای رسیدن به مقصد راه می روند یا منتظر وسیله می مانند اما در خیابان پیاده رفتارهایی همچون مکث توقف تماشا و بازی خرید... مشاهده می شود</p>	<p>نقش مسیر از نظر جابجایی یا اجتماعی طیف مختلفی از رفتارها از جمله راه رفتن سریع تا توقف و مکث را منجر می شود</p>	<p>نقش مسیر و راه</p>	
<p>روشهای ارزیابی غیرمادخله گردد</p> <p>در مسیر سواره با عرض زیاد حس حرکت و سرعت را القا می کند و مسیر سواره تنگ ناخود آگاه با کاهش سرعت همراه استبنابراین رفتارهایی همچون سوار و پیاده شدن، دید زدن و تماشا کردن و توقف به قصد کاری انتخابی بیشتر مشاهده می شود</p> <p>در پیاده رو تنگ مردم بیشتر تمایل به حرکت دارند و در یک مسیر با عرض زیاد الگوهای رفتاری بیشتر مشاهده می شود در مسیر تنگ با حرکت دشوار مردم احسان نامنی می کنند و بنابراین مدام لوازم و اطراف خود را کنترل می کنند</p>	<p>تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری</p>	<p>عرض مسیر</p>	
<p>همه روشهای ارزیابی</p> <p>در ورودی محلات و سر کوچه ها، پاتوق هایی برای گپ زدن وجود دارند؛ در کوی های مسکونی فضایی برای بازی بچه ها</p>	<p>وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت های انتخابی و اجتماعی بپردازد؛ همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می کند</p>	<p>سلسله مراتب</p>	
<p>روشهای ارزیابی مداخله گردد</p> <p>با افزایش نفوذپذیری بصری و کالبدی میزان استفاده از فضای افزایش و میزان جرم خیزی کاهش می یابد</p>	<p>میزان نفوذپذیری بصری و کالبدی با میزان استفاده فضای رابطه مستقیم دارد</p>	<p>نفوذپذیری</p>	
<p>روشهای ارزیابی مداخله گردد</p> <p>وجود روشنایی در فضای منجر به ایجاد نظارت اجتماعی و افزایش امنیت محیط می شود در نتیجه جرم خیزی محیط کاهش می یابد</p>	<p>جلوگیری از رفتارهای ناهنجار؛ ایجاد مکث و توقف</p>	<p>روشنایی</p>	
<p>روشهای ارزیابی مداخله گردد</p> <p>وجود تجهیزات مناسب با نیاز و تراکم استفاده در فضای میزان استفاده از فضای نقش دارد؛</p>	<p>جلوگیری از رفتارهای ناهنجار؛ (شکلگیری قرارگاه رفتاری امن)؛ ترویج رفتارهای مناسب و اجتماعی؛ ایجاد مکث و توقف؛ بالا رفتن حق انتخاب و میزان استفاده از فضای</p>	<p>تجهیزات</p> <p>بلند</p>	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار
No.38 Spring 2015

۲۶۷

روش‌های ارزیابی مداخله گر با تأثیرپذیر	<p>اندازه و فرم ورودی و جنس و نما و رنگ مبلمان شهری در میزان کشش مردم به خود نقش دارد (زمینه بروز قرارگاه امن)؛ رنگ فضا عاملی در خوانایی، سرزندگی و در نتیجه ترویж هنجارهای اجتماعی و شکل گیری قرارگاه‌های رفتاری؛</p>	<p>وجود ویژگی‌هایی همچون انسجام و پیوستگی؛ وحدت؛ تنوع؛ شفافیت بدنی و کف؛ هماهنگی و هارمونی در بدنی باعث خوانایی بیشتر می‌شود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت‌هایی همچون خرید، تفریح و...</p>	۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
	<p>وجود کفپوش هموار و متناسب با شرایط اقلیمی، وجود ریتم در حرکت و نقش کفپوش می‌تواند هدایت کننده رفتار باشد؛</p>	<p>وجود ویژگی‌هایی همچون یکپارچگی؛ حفظ تداوم حرکت پیاده؛ انعطاف؛ ایمنی؛ پرهیز از اختلاف سطح باعث خوانایی بیشتر می‌شود و میزان بیشتر استفاده از فضا ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت‌هایی همچون خرید</p>	۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
	<p>پک مسیر خطی بیشتر حس حرکت را القا می‌کند، اما در فضایی مربع شکل یا دایره‌ای الگوهای رفتاری ناشی از مکث و توقف شاهد هستیم</p>	<p>وجود ویژگی‌هایی همچون ادراک به صورت یک کل واحد؛ محصوریت؛ توالی فضایی؛ انعطاف پذیری فضا، مقیاس انسانی؛ داشتن سکانس بندی فضایی؛ تنوع فضایی؛ صلب و نرم؛ مسقف و آزاد باعث خوانایی بیشتر و میزان بیشتر استفاده از فضا می‌شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت‌هایی همچون خرید و تفریح</p>	۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
	<p>وجود نشانه‌ها در فضا و بهره‌گیری از منظر مناسب مکان را تبدیل به قرارگاه رفتاری می‌کند. مثلاً فضای بین چند بلوک ساختمانی اگر به درستی محوطه آرایی شود و دارای خوانایی و دید مناسب به عناصر شاخص باشد مردم ترجیح می‌دهند مدتی مکث کنند، نگاه کنند، کتاب بخوانند، گپی بزنند و بازی پچه‌ها را نمایش کنند؛ در غیر اینصورت صرفاً فضایی مشترک بین بلوكها باقی می‌ماند و یا صرفاً فضایی برای عبور و دسترسی خواهد بود؛</p>	<p>ویژگی‌هایی همچون توالی بصری؛ قابلیت ایجاد دیدهای پی در پی ایجاد پرسپکتیو و خوانایی باعث میزان بیشتر استفاده از فضا و سهولت استفاده می‌شود؛ ایجاد مکث و توقف و تبدیل از عبور و مرور به فعالیت‌هایی همچون خرید، و تفریح؛</p>	۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

دریشت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۶۸

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۳۸ بهار
No.38 Spring 2015

۲۶۹

زنگنه

		<p>ویژگی‌هایی همچون خاطره انگیزی؛ داشتن حس مکان؛ شخصیت و هویت بارز؛ نظارات اجتماعی و امنیت از طریق رعایت موارد فوق حاصل می شود و بر میزان استفاده از فضا و تراکم الگوهای رفتاری، ایجاد حس تعلق و افزایش مشارکت مردمی نیز موثر است؛</p> <p>معنا</p>
		<p>وجود پوشش گیاهی، مصالح مناسب بالقلیم، سایبانها و تمام نکاتی که برای آسایش اقلیمی مدنظر است، عاری بودن فضا از انواع آلودگی های صوتی، بصری و هوافضا را مکانی خودمانی و پاسخگو می کند و در نتیجه میزان مکث و استفاده از فضا بیشتر می شود؛</p> <p>آلودگی های محیطی</p> <p>شرایط اقلیمی</p>

اما از اهمیت ویژهای برخوردار است. زیبایی چراغ های روشنایی در سطح شهر می تواند در طول روز جلوه زیبایی به شهر بدهد.

۹. مؤلفه شاخص زیرشاخص چگونگی تاثیر بر رفتار نمونه

منابع و مأخذ

۱. ارباب جلفایی، آرش (۱۳۷۹) مبانی فلسفی و روانشناسی ادراک فضا، مجموعه مقالات گردآوری و ترجمه شده، تهران، نشر خاک.

۲. ایرانمنش، نسیم (۱۳۸۳) فضای شهری؛ هنر انتزاعی و درک عمومی، ماهنامه شهرداریها، ۱۳۸۳، شماره ۵۹.

۳. ایروانی، محمد و خداپناهی (۱۳۷۱) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.

۴. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه

ترکیب و ارتباط روزنده ها؛ برای دستیابی به آرامش بصری در نما؛ روزنده ها باید به صورتی باشد که چشم به راحتی و آسانی از یک عنصر در نما به عنصر دیگر حرکت کند.

۸. «تحویل نورپردازی»: از دیگر مواردی که در مبلمان شهری می توان مورد بحث و بررسی قرار داد، نحوه نورپردازی و روشنایی شهرها، مراکز و خیابان های شهری است. طبق اصول مبلمان شهری، در مراکزی که افراد به میزان امنیت بیشتری نسبت به دیگر مراکز احتیاج دارند، مانند: ایستگاه های اتوبوس و پارک ها، مراکز خرید و دیگر مراکز عمومی باید از تعداد بیشتری از چراغ های روشنایی در خیابان و مکان های فوق استفاده شود. طراحی این چراغ ها در سطح شهر به فن آوری طراحی این نوع چراغ ها، وسعت خیابان و حتی به مراکزی که این چراغ ها در آن نصب می شوند، بستگی دارد. اگر چه این تمهدیات در شب بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند

- دانشگاهی.
۱۷. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۰) اصول و ضوابط طراحی فضای شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
 ۱۸. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
 ۱۹. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب طراحی شهری، کتاب اول و دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
 ۲۰. پامیر، سای (۱۳۸۹) آفرینش مرکز شهری سرزنده، مترجمین مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
 ۲۱. پور اصغریان، مهتاب (۱۳۸۷) مجسمه سازی در فضاهای شهری، فصلنامه نگره، شماره ۷ و ۸
 ۲۲. پورمند، حسنعلی و موسیوند، محسن (۱۳۹۰) مجسمه سازی در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴
 ۲۳. توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری-فضای شهری و جایگاه ان در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
 ۲۴. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
 ۲۵. جمشید، حکمتی (۱۳۷۵) طراحی باغ و پارک، فرهنگ جامع، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
 ۲۶. جیکوبز، جین (۱۳۸۷) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا، مترجم پارسی، حمیدرضا، افلاطونی، آرزو، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۲۷. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
 ۲۸. حسینیون، سولماز (۱۳۸۲) ساماندهی تابلوها و علائم شهری، ماهنامه شهرداریها، شماره ۵۵.
 ۲۹. حسینیون، سولماز (۱۳۸۳) مقدمه ای بر طراحی پیاده راه ها، شماره ۶۱، ماهنامه شهرداریها، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
 ۳۰. حسینی، اعظم (۱۳۹۰) طراحی فضای شهری رفتارگرا با تأکید بر رفتارشناسی زائرین در شهر شهید بهشتی، تهران.
 ۵. بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
 ۶. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۷. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
 ۸. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
 ۹. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸) تحلیل فضاهای شهری، در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۱۰. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر: الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه بهناز امین زاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۱. بل، سایمون (۱۳۸۷) عناصر طراحی بصری در منظر: ترجمه محمد رضا مثنوی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
 ۱۲. بناب، محی الدین (۱۳۷۹) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات دانا.
 ۱۳. بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
 ۱۴. بهرامی، محمد (۱۳۸۲) مجسمه های شهری و میادین تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر.
 ۱۵. بهزادفر، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنجرهای کیفی طراحی فضای شهری مردم مدار (آزادی مدار)، آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
 ۱۶. بیژن زاد، محمدرضا (۱۳۶۹) بررسی فضای سبز تهران، تهران، بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۲۷۱

- مشهد نمونه موردی: خیابان امام رضا، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی جهانشاه پاکزاد و مشاوره علی اکبر تقوايی.
۳۱. رحيمي، علی (۱۳۸۲) بررسی سیر تحول مبلمان (اثاثه توقف و استراحت) در فضاهای شهری ايران، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایي بمانيان، محمدرضا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، رشته پژوهش هنر.
۳۲. روییان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۳۳. رهنورد، زهرا (۱۳۸۷) نمایشگاهی دائمی، نشریه تندیس: پاییز ۱۳۸۷
۳۴. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، انتشارات مازیار.
۳۵. زراعت دوست، مهتاب (۱۳۷۹) طراحی یک مرکز محله با توجه به تاثیر معماری بر رفتار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۳۶. سازمان زیباسازی شهرداری تهران (۱۳۸۰) روشاهای پاکسازی نمای شهری، طرح پژوهشی ۱۳۸۰.
۳۷. ساوج، مايك و آلن، وارد (۱۳۸۰) جامعه شناسی شهری، ترجمه احوالقاسم پورضا، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.
۳۸. سعید نیا، احمد (۱۳۷۶) طراحی فضاهای مبلمان شهری، سازمان شهرداری های کشور، تهران، جلد پنجم و ششم.
۳۹. سلطانزاده، حسین (۱۳۷۲) فضای ورودی در معماری سنتی ايران، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۴۰. گل، يان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، مترجم شیما شصتی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷.
۴۱. گلکار، کوروش (۱۳۸۶) مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، فصلنامه صفحه، شماره ۴۴، ص

- of Small Urban Parks, Plazas and Other Outdoor Spaces, Texas Cooperative Extension, 2005.
59. Rapaport, Amos, 1997 "Human Aspects of Urban Form", Pergamon Press.
60. Steele, FRITZE 1981 "The Sense of Place" CBI Pub. Co
61. Tolman .E. C, 1932 "Cognitive maps in rats and men.it Psychological Review.
62. Whyte, William, The Design of Spaces, project for public spaces, New York, 1985.
63. Whyte, William, The Social Life of Small Urban Spaces, project for public spaces, New York, 1981.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار
No.38 Spring 2015

۲۷۲